

# بررسی صحت و سرعت قضاوت شهودی، شبه عقلانی و تحلیلی تحت استرس زای بیرونی

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۸/۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۴/۲۷

پروانه فرهادبیگی<sup>۱</sup>

فاطمه باقریان<sup>۲</sup>

آناهیتا خرمی بنارکی<sup>۳</sup>

## چکیده

مقدمه: طبق تئوری پیوستار شناخت (هامند، ۱۹۹۶)، قضاوت به عنوان پیوستاری بین قطب شهود و قطب تحلیل در نظر گرفته شده است. در مطالعه پیش رو، صحت و سرعت قضاوت در سه وجه قضاوت شهودی، شبه عقلانی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. روش: قضاوت حرفه ای ۵۶ شرکت کننده در دو گروه آزمایش یا تحت استرس و گروه کنترل یا بدون استرس مورد سنجش قرار گرفت. نتایج: میزان صحت هر سه قضاوت در گروه کنترل به طور معناداری بالاتر بود. سرعت قضاوت تنها در قضاوت شبه عقلانی تفاوت معناداری در دو گروه نشان داد. نتیجه گیری: عامل استرس زا می تواند میزان صحت قضاوت ها را در سه وجه قضاوت کاهش دهد. این عامل استرس زا که در این مطالعه صوتی بود، سرعت قضاوت را بیشتر در میانه پیوستار قضاوت کاهش می داد.

کلیدواژه ها: شناخت، قضاوت، استرس.

---

۱- نویسنده مسئول: پژوهشکده علوم شناختی، تهران parvaneh.f.beigi@gmail.com

۲- دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۳- دانشجوی دکترای علوم اعصاب شناختی، پژوهشکده علوم شناختی

## The Effect of Stress on Accuracy and Speed of Judgment

Parvaneh Farhad Beigi  
Fateme Bagherian  
Anahita Khorrami Banaraki

### Abstract

**Introduction:** Judgment in Cognitive Continuum Theory is assumed as a continuum between intuition pole and analysis pole. This study has investigated speed and accuracy in three modes of judgment.

**Method** Professional judgments have been provided by 56 participants through an experimental group (under stress) and a control group (without stress).

**Results:** Accuracy was significantly higher in control group in all three judgments compared to the experimental group. Reaction time was significantly different only in quasi\_ rational judgments ( $F(1,55)=7/3, P.\leq 0.0009$ ).

**Conclusions:** Noise as a stressor lowered accuracy in the three modes of judgments in the experimental group. Noise stressor seemed to have increased reaction times in middle of judgment continuum.

**Keywords:** Stress; Intuitive judgment; Quasi\_ rational judgment; Analytical judgment

در دهه های اخیر، مطالعات زیادی در راستای تاثیر هیجان بر فرآیندهای شناختی انجام شده است. در بیشتر این مطالعات به تاثیر استرس بر پردازش شناختی پرداخته شده است (پریستون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). این پژوهش ها، بیشتر در حیطه حافظه، بازیابی دانش و توجه دیده می شود (ولف<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳؛ هیلر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). در این میان هامند<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) تئوری جدیدی درباره تاثیر استرس بر قضاوت ارائه داد. هامند با الهام از فاجعه حمله هوایی به هواپیمای مسافربری ایران ایر بر فراز خلیج فارس توسط ناو آمریکایی وینسنس<sup>۵</sup> در سال ۱۹۸۸، به طور واضح بیان داشت که استرس بر قضاوت تاثیرگذار است. از آن پس، مطالعات در زمینه اثر خلق بر قضاوت و تصمیم گیری آغاز شد (داونر<sup>۶</sup>، پیفر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۳؛ کالو<sup>۸</sup>، کاستیلو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱؛ دورتی<sup>۱۰</sup>، هانتز<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳).

تعریف قضاوت در علوم شناختی بدین ترتیب است که قضاوت یک فرآیند شناختی است که قضاوت کننده براساس مجموعه ای از اطلاعات (نشانه ها) که می تواند ببیند، نتیجه ای را درباره چیزی که نمی تواند ببیند می گیرد. پژوهش های آزمایشگاهی قضاوت اغلب بر پایه تئوری قضاوت اجتماعی<sup>۱۲</sup> (SJT) شکل گرفته اند (جاماسبی<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). یکی از رویکردهای قضاوت اجتماعی تئوری پیوستار شناخت<sup>۱۴</sup> (CCT) است. این مدل دیدگاه دوگانگی قضاوت شهودی و قضاوت تحلیلی را با یک پیوستار جایگزین نمود. در مدلی که هامند با عنوان تئوری پیوستار شناخت ارائه داد، قضاوت شهودی و قضاوت تحلیلی را در دو قطب پیوستار شناخت جای داد. او همچنین اعلام داشت که در

- 
- 1- Preston
  - 2- Wolf
  - 3- Hillier
  - 4- Hammond
  - 5- Vincennes
  - 6- Dovner
  - 7- Pfeifer
  - 8- Calvo
  - 9- Castillo
  - 10- Dougherty
  - 11- Hunter
  - 12- Social Judgment Theory
  - 13- Djamasbi
  - 14- Cognitive Continuum Theory

اغلب موارد قضاوت افراد در میان دو قطب پیوستار جای می گیرند، که او آن را قضاوت شبه عقلانی نامید (دان وودی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). قضاوت شهودی و قضاوت تحلیلی به خوبی در تئوری پیوستار شناخت تعریف شده اند. وجه قضاوت شهودی، وجه خودکار و کل نگر است مانند قضاوت هایی برپایه ادراک تشخیص بر روی صدای افراد خانواده. در حالیکه قضاوت تحلیلی به عنوان قطب دیگر پیوستار شناخت وجهی منطقی است مانند قضاوت های مبتنی بر محاسبات ریاضی (اپستین<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۶). در رویکرد پیوستار پیوستار شناخت، هامند بیان داشت که رابطه پویایی بین محیط و شناخت وجود دارد. تئوری پیوستار شناخت معتقد است که ویژگی های محیط می تواند القا کننده وجه قضاوت باشد (هامند، ۱۹۸۸). براساس این نظر هامند برای ویژگی های تکلیف نیز پیوستاری در نظر گرفت. در این مطالعه چهار ویژگی پیوستار تکلیف مورد استفاده قرار گرفت: ۱) سرعت پردازش اطلاعات که در قضاوت شهودی در مقایسه با قضاوت تحلیلی بالاتر است؛ ۲) اصول سازماندهی اطلاعات، که هنگام قضاوت شهودی از یک اصول بینابینی یا میانی استفاده می شود و در قضاوت تحلیلی اصول سازماندهی هر تکلیف، مخصوص همان تکلیف است؛ ۳) میزان اطمینان در پاسخ و روش قضاوت کردن از دیگر ویژگی هایی است که در بین وجوه قضاوت متفاوت است، اطمینان در پاسخ قضاوت شهودی بالاتر از قضاوت تحلیلی است، در صورتیکه اطمینان در روش رسیدن به قضاوت تحلیلی بالاتر از قضاوت شهودی است و ۴) اگر قضاوت کنندگان از ادراک خود برای اندازه گیری نشانه ها استفاده کنند، تکلیف القاکننده قضاوت شهودی است، در حالی که اگر از اعتبار عینی جهت سنجش نشانه ها استفاده کنند در واقع تکلیف، القاکننده قضاوت تحلیلی است (هامند، ۱۹۸۴). در این راستا می توان مطالعاتی را در مورد رابطه میان محیط و فرآیندهای شناختی یافت (شاتو<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳). از آنجا که تاکنون پژوهشی در خصوص وجوه قضاوت در داخل کشور انجام نشده است، لذا در این پژوهش اثر استرس زای بیرونی (نویز یا همان صدای آژیر پلیس) بر روی سه وجه قضاوت مورد بررسی قرار گرفت.

---

1- Dunwoody

2- Epstein

3- Shanteau

## روش

پژوهش حاضر از نوع آزمایشی بود. نمونه پژوهش عبارت بود از ۵۶ مهندس بازرس جوش مذکر، که به روش نمونه در دسترس انتخاب گردید. دامنه سنی آزمودنی ها ۲۳ تا ۳۱ بود. برای دستیابی به سلامت عمومی روانی شرکت کنندگان و غربال گری شرکت کنندگان از نظر عدم وجود اختلالات اضطرابی و یا اختلالات افسردگی، از آزمون GHQ نسخه کوتاه ۲۸ سوالی استفاده شد. سپس شرکت کنندگان به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جای گرفتند. ۲۶ آزمودنی در گروه کنترل، قضاوت های خود را بدون وجود نوبز انجام دادند و ۳۰ آزمودنی در گروه آزمایش قضاوت های خود را در حضور نوبز یا تحت استرس انجام دادند.

## ابزار پژوهش

با استفاده از چهار ویژگی تعریف شده، سه ابزار سنجش جوش که توسط مهندس بازرس جوش مورد استفاده قرار می گیرد، به عنوان القاکننده سه وجه قضاوت مورد سنجش واقع شد (فرهادبیگی، باقریان و خرمی بنارکی، ۲۰۱۱). تکلیف قضاوت طراحی شده شامل ۷۲ تصویر از سه ابزار سنجش جوش است. سه روش بازرسی جوش عبارتند از: بازرسی چشمی<sup>۱</sup> (VT)، بازرسی با روش رادیوگرافی<sup>۲</sup> (RT) و روش اولتراسونیک<sup>۳</sup> (UT). بازرسی جوش گاهی اوقات با ادراک نشانه ها از روش بازرسی چشمی استفاده می کنند. در روش RT، مهندس بازرس جوش با دیدن تصویر دقیق تری از جوش که حاصل گذشتن اشعه ایکس از جوش بدست می آید، قضاوت می کند. روش دیگر بازرسی جوش روش UT است. در این روش مهندس بازرس جوش با ثبت بازتاب امواج صوتی از جوش، با استفاده از تصویر این امواج و همچنین پارامترهای عددی بازرس جوش در مورد جوش قضاوت می کند. مهندسین بازرسی جوش با استفاده از یک استاندارد جهانی<sup>۴</sup> قضاوت خود را در راستای قبول و یا رد جوش اعلام می دارند. بر طبق مطالعه ابتدائی، تمامی تصاویر مربوط به سه روش VT، RT و UT در یک سطح

- 
- 1- Visual Test
  - 2- Radiographic Test
  - 3- Ultrasonic Test
  - 4- ISO 5817 2003(E)

دشواری بودند. همچنین، برای جلوگیری از هر گونه پیچیدگی تکلیف تنها از یک عیب (ترک) به عنوان عامل رد کردن جوش استفاده شد.

### روند آزمایش

محرک ها تا زمانیکه شرکت کنندگان با فشار دادن دکمه ها به آن پاسخ ندهند بر روی صفحه مانیتور باقی می مانند. اما این زمان محدودیت هایی نیز دارد. براساس یک مطالعه ابتدائی زمان لازم جهت هر یک از سه روش بازرسی جوش پیش بینی شده است. حداکثر زمان باقی ماندن تصویر مربوط به روش VT در این آزمایش ۲۰ ثانیه، این زمان برای روش های RT و UT به ترتیب ۶۰ ثانیه و ۱۸۰ ثانیه بود. بعد از نمایش هر یک از تصاویر، یک صفحه خاکستری با یک علامت به علاوه (+) در وسط آن (تثبیت کننده) به مدت یک ثانیه به نمایش در می آید. تکلیف قضاوت نیز شامل سه فاز بود. در هر فاز دو وجه قضاوت به نمایش در می آید و هر وجه قضاوت دارای ۶ محرک در هر فاز بود. با در نظر گرفتن ۶ محرک مربوط به محرک خنثی، در هر فاز ۱۸ محرک به شرکت کنندگان ارائه می شد. قضاوت شهودی و قضاوت شبه عقلانی در فاز اول جای گرفتند. در فاز دوم قضاوت شبه عقلانی و قضاوت تحلیلی قرار گرفت. فاز سوم شامل قضاوت تحلیلی و قضاوت شهودی بود. نمایش محرک ها در تمامی فازها به صورت تصادفی صورت می گرفت. سه فاز تکلیف، دوبار اجرا می شد، در نتیجه هر شرکت کننده در طول تکلیف ۱۰۸ قضاوت را انجام می داد. در گروه آزمایش تکلیف قضاوت متفاوت بود و صدای آژیر پلیس با شدت ۹۰ دسی بل به عنوان نویز یا عامل استرس زا در این گروه مورد استفاده قرار می گرفت که از طریق هدفن برای شرکت کنندگان پخش می شد. نیمی از محرک ها با نویز همراه بودند. همه تصاویر بر روی مانیتور ۱۵ اینچی نمایش داده می شد. اگر شرکت کنندگان قضاوت می کردند که جوش قابل قبول است، دکمه آبی را فشار می دادند و اگر اینطور قضاوت می کردند که جوش غیر قابل قبول است و باید رد شود، دکمه قرمز را فشار می دادند. به طور میانگین تکلیف قضاوت برای هر شرکت کننده ۱۵ دقیقه به طول انجامید و در انتها از آزمودنی ها جهت شرکت در این آزمایش تشکر می شد.

### یافته ها

## صحت قضاوت

تعداد پاسخ های صحیح در هر سه وجه قضاوت در دو گروه اندازه گرفته شد. کاملترین امتیاز در هر سه وجه قضاوت ۲۴ قضاوت صحیح بود. جدول شماره ۱ اطلاعات توصیفی در قضاوت شهودی، شبه عقلانی و تحلیلی را نشان می دهد.

جدول شماره ۱- جدول توصیفی میزان قضاوت های صحیح در سه وجه قضاوت

نوع قضاوت	گروه	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین
قضاوت شهودی	آزمایش	۳۰	۵/۱۷	۱۲/۳۶
	کنترل	۲۶	۱/۹۸	۲۰/۸۸
قضاوت شبه عقلانی	آزمایش	۳۰	۶/۵۸	۱۲/۷۶
	کنترل	۲۶	۲/۵۲	۲۰/۹۲
قضاوت تحلیلی	آزمایش	۳۰	۳/۰۵	۱۳/۶۶
	کنترل	۲۶	۲/۷۱	۱۷/۵۳

در مقایسه قضاوت های شهودی صحیح بین دو گروه، نتایج ANOVA نشان داد که قضاوت صحیح در گروه کنترل به طور معناداری از گروه آزمایش بالاتر بوده است ( $F(1,54) = 62/3, P \leq 0/001$ ). یافته های قضاوت شبه- عقلانی نشان داد که قضاوت صحیح در گروه کنترل به طور معناداری از گروه آزمایش بالاتر بوده است ( $P \leq 0/001$ ). قضاوت تحلیلی در گروه کنترل به طور معناداری میزان صحت بالاتری را از گروه آزمایش نشان داد ( $F(1,54) = 35/3, P \leq 0/001$ ). علاوه بر این، طراحی تکلیف قضاوت طوری انجام شده بود که تا جای ممکن از اثر تفاوت های فردی جلوگیری کند. گروه آزمایش دو شرایط آزمایشی را برای شرکت کنندگان ایجاد کرد. همه شرکت کنندگان مجبور بودند که نیمی از قضاوت های خود را تحت استرس و نیمی دیگر را بدون استرس (عدم حضور نویز) انجام دادند. نتایج تحلیل اندازه گیری مکرر نیز در گروه آزمایش جهت حذف اثر تفاوت های فردی، نتایج فوق را تایید می کرد.

## زمان واکنش

زمان واکنش در هر سه وجه قضاوت سنجیده شد. زمان واکنش به عنوان فاصله زمانی بین لحظه شروع نمایش تصویر بر روی مانیتور تا زمانی که شرکت کننده دکمه را جهت پاسخ فشار می دهد، در نظر گرفته شد. این میزان‌های زمان واکنش در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول شماره ۲- جدول مقادیر توصیفی زمان واکنش در سه وجه قضاوت

نوع قضاوت	گروه	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین
قضاوت شهودی	آزمایش	۳۰	۱/۷۱	۳/۳۹
	کنترل	۲۶	۱/۶۷	۲/۶۴
قضاوت شبه عقلانی	آزمایش	۳۰	۱/۸۳	۳/۴۴
	کنترل	۲۶	۱/۴۷	۲/۴۱
قضاوت تحلیلی	آزمایش	۳۰	۱/۷۶	۳/۴۷
	کنترل	۲۶	۲/۲۸	۳/۵۲

نتایج ANOVA نشان داد که زمان واکنش قضاوت شهودی در دو گروه کنترل و گروه آزمایش تفاوت معناداری ندارد ( $F(1,54) = 2/7, P \leq 0/104$ ). اما در قضاوت شبه عقلانی، زمان واکنش تفاوت معناداری نشان داد و شرکت کنندگان در گروه آزمایش زمان طولانی تری را در مقایسه با گروه کنترل در قضاوت های شبه عقلانی صرف کردند ( $F(1,54) = 10/6, P \leq 0/002$ ). نتایج ANOVA قضاوت تحلیلی تفاوت معناداری را نشان نداد. آنالیز اندازه گیری مکرر، در میان گروه آزمایش در مقایسه با آنالیز درون گروهی نیز تفاوت معناداری در زمان واکنش سه وجه قضاوت در دو شرایط گروه آزمایش نشان نداد.

بحث و نتیجه گیری



تحلیل داده ها نشان می دهد که نويز به عنوان عامل استرس زا می تواند منجر به قضاوت های نادرست شود. به نظر می رسد که قضاوت شهودی، قضاوت شبه عقلانی و قضاوت تحلیلی براحتی تحت تأثیر استرس (با حضور نويز) مختل می شوند و شرکت کنندگان را به خطاهای شناختی وا می دارند. منطقی به نظر می رسد که اختلال در توجه را یک دلیل اصلی برای این خطاها در قضاوت شهودی در نظر بگیریم، زیرا قضاوت شهودی به عنوان یک الهام یا یک بینش درونی تعریف می شود. در ضمن، هر چند در گروه آزمایش با حضور نويز زمان طولانی تری نسبت به گروه کنترل صرف قضاوت شده است، اما تفاوت معناداری دیده نمی شود. مسلماً عامل استرس زای بیرونی به روی سرعت قضاوت شهودی همچون صحت قضاوت شهودی موثر نیست.

قضاوت شبه عقلانی یکی از وجوه قضاوت است که تعریف مشخصی ندارد. این وجه قضاوت یک موقعیت مبهم برای قضاوت کننده ایجاد می کند. براساس تحلیل داده ها، قضاوت شبه عقلانی تحت شرایط استرس (نويز) صحت کمتری را در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل نشان می دهد. این موقعیت مبهم احتمالاً فرصتی را برای شرکت کنندگان ایجاد می کند که آنها قضاوت هایشان را آنطور که می خواهند انجام دهند. در این راستا، بیشترین میزان صحت قضاوت در قضاوت شبه عقلانی دیده می شود. داده های زمان واکنش نمایانگر آن بود که گروه آزمایش به طور معناداری زمان بیشتری را نسبت به گروه کنترل صرف قضاوت هایشان می کنند. این تفاوت ممکن است به دلیل تغییر و انتقال بین وجه های قضاوت باشد؛ وقتی تکلیف، قضاوت شبه عقلانی در حضور نويز یا استرس را القا می کند، شرکت کنندگان ممکن است به سمت قطب شهودی یا قطب تحلیلی گرایش پیدا کنند (هامند، ۲۰۰۰).

قضاوت تحلیلی به عنوان فرآیند شناختی عمیق تعریف شده است (شاننو، ۱۹۹۳). تحلیل داده های صحت قضاوت تحلیلی نشان می دهد که شرکت کنندگان تحت استرس در گروه آزمایش به طور معناداری میزان قضاوت های صحیح کمتری را نسبت به گروه کنترل داشته اند. از نقطه نظر شاننو (۱۹۹۳) استرس زاهای محیطی مانند نويز نمی تواند اثر اختلال حواس پرتی در حین قضاوت تحلیلی داشته باشند. بنابراین، صحت پایین تر در قضاوت تحلیلی ممکن است نتیجه استرس باشد. زمان واکنش قضاوت تحلیلی تفاوت

معناداری در دو گروه آزمایشی و کنترل نشان نداد. اما همان طور که انتظار می‌رود شرکت‌کنندگان زمان بیشتری را صرف می‌کردند تا قضاوت تحلیلی خود را انجام دهند. در راستای یک نتیجه‌گیری دقیق‌تر درباره اثر حواس پرتی یا استرس بر سه وجه قضاوت، مطالعات بیشتری با ثبت سطح استرس و همچنین در نظر گرفتن جنبه‌های فیزیولوژیکی استرس پیشنهاد می‌شود. همچنین، می‌توان بررسی سه وجه قضاوت را در نمونه بزرگتر حتی در جامعه‌های دیگر که تنوع بیشتری دارند با استفاده از تکلیف‌های موازی بیشتر مورد آزمون قرار داد.

## References

- Calvo, M. G., Castillo, M. D. (2001). Selective interpretation in anxiety: Uncertainly for threatening events. *Cognition and Emotions*. 15, 299-320.
- Djamasbi, S., Remus, W., O'Connor, M. (2004). Dose mood influence judgment accuracy?. Decision Support an Uncertain and Complex World, The IFIP TC8/WG8.3 International Conference, Prato, Italy, 213-222.
- Dougherty, M. R. P., Hunter, J. (2003). Probability Judgment and Subadditivity: The role of memory working capacity and constraining retrieval. *Memmory & Cognition*, 31(6), 968-982.
- Dovner, D., Pfeifer, E. (1993). Strategic thinking and stress. *Ergonomics*, 36(11), 1345- 1360.
- Dunwoody, P. T., Haarbauer, E., Mahan, R. P., Marino, C., Tang, C. (2000). Cognitive adaptation and it's consequences: A test of cognitive continuum theory. *Journal of Behavioral decision making*. 13, 34-44.
- Epstein, S., Pacini, R., Denes-Raj, V., Heier, H. (1996). Individual Differences in Intuitive \_ Experiential and Analytical \_ Rational Thinking Style. *Journal of Personality and Social Psychology*. 71 (2), 390-405.
- Farhadbeigi, P., Bagherian, F., Khorrami Banaraki, A. (2011). Examination of intuitive, quasi\_ rational and Analytical judgment in professional judgments. 2th World Conference on Psychology, Counselling and Guidance. Antalya, Turkey.
- Gillis, J. S. (1993). Effects of Life Stress and Dysphoria an Complex Judgments. *Psychological Reports*, 72, 1355-1363.

- Hammond, K. R. (1988). Judgement and decision making in dynamic tasks. *Information and Decision Technologies*, 14, 3–14.
- Hammond, K. R. (2000). *Judgment under Stress*. New York: Oxford University Press.
- Hammond, K. R., Hamm, R. M., Grassia, J., Pearson, T. (1984). *The relative efficacy of intuitive and analytical cognition: A second direct comparison* (Tech. Rep. No. 252). Boulder: University of Colorado, Center for Research on Judgment and Policy.
- Hillier, A., Alexander, J. K., Beversdorf, D. Q. (2006). The effect of auditory stressors on cognitive flexibility. *Neurocase*, 12, 228–231.
- Preston, S. D., Buchanan, T. W., Stansfield, R. B., Bechara, A. (2007). Effects of Anticipatory Stress on Decision Making in Gambling Task. *Behavioural Neuroscience*. 121(2), 257-263.
- Shanteau, J., G.A. Dino. (1993). Environmental stressor effects on creativity and decision making. Pp. 293-308 in O. Svenson and A.J. Maule, eds., *Time Pressure and Stress in Human Judgment and Decision Making*. New York: Plenum.
- Sjoberg, L. (2003). Intuitive vs. analytical decision making: which is preferred? *Scand. J. Mgmt.* 19, 17–29.
- Stewart, T. R., Roebber, P. J., Bosart, L. F. (1997). The importance of the task in analyzing expert judgment. *Organizational behavior and human decision processes*, 69, 205-219.
- Wolf, O. T. (2003). HPA axis and memory. *Best Pract. Res. Clin. Endocrinol. Metab.* 17, 287–99.

## بررسی رابطه پنج عامل نیرومند شخصیت و استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی دزفول

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۷/۱۵

پریسا یاسمی نژاد<sup>۱</sup>

محسن گل محمدیان<sup>۲</sup>

### چکیده

**مقدمه:** در پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه پنج عامل نیرومند شخصیتی ۱- عصبیت یا بی‌ثباتی هیجانی N ۲- برون‌گرایی E ۳- باز بودن به تجربه O ۴- توافق A و ۵ - وجدانی بودن C با استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه در دانشجویان انجام شده است.

روش: جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی دزفول بود که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. نمونه مورد مطالعه ۲۷۵ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، و با مراجعه به کلاس‌های عمومی که همه دانشجویان شانس انتخاب را داشتند انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه (جنارو و همکاران، ۲۰۰۷) و پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیتی NEO-FFI بود. به منظور تعیین تجزیه و تحلیل اطلاعات از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه (روش گام به گام) استفاده شد

**نتایج:** نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه با روان رنجورخویی رابطه مثبت  $r=0.271$  و با برون‌گرایی رابطه منفی معنی‌داری  $r=-0.21$  دارد. همچنین تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام نشان داد که متغیرهای روان-رنجورخویی و برون‌گرایی جمعاً ۱۰ درصد واریانس استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه را تبیین می‌کنند ( $p<0.001$ ). دیگر یافته‌ها دال بر آن بود که بین دانشجویان دختر و پسر و متاهل و مجرد از نظر استفاده از تلفن همراه تفاوت معنی‌داری وجود دارد، اما بین

۱- نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، خوزستان mgolmohammadian@gmail.com

۲- دانشگاه آزاد اسلامی دزفول

دانشجویان فنی و انسانی تفاوت معنی داری وجود ندارد ( $p < 0.001$ )، بدین معنی که میزان استفاده از تلفن همراه دانشجویان دختر از دانشجویان پسر و دانشجویان مجرد از متاهل‌ها بیشتر بود.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های اهمیت ویژگی‌های شخصیتی را در پیش‌بینی استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه خاطر نشان می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه، پنج عامل نیرومند شخصیتی، دانشجویان.

## **Study the relationship of Big five factors and Cell-phone Over-use in students**

**Parisa yaseminejad**  
**Mohsen Golmohammadian**

### **Abstract**

**Introduction:** This research was carried out with the purpose of relationship of Big five factors including Neuroticism, Extroversion, Openness to experience, Agreeableness and Conscientiousness, with cell-phone over-use.

**Method:** 275 students from Islamic Azad university Dezful branch participated in this study. The research instruments were included cell-phone over-use Scale (Jenaro & et al, 2007) and NEO-PI-R five-factor inventory. Pearson correlation and multiple regressions (stepwise) were applied to analyze the data.

**Results:** Findings indicated that the cell-phone over-use has significant positive relationship with neuroticism and negative significant relationship with extroversion. Other results denoted that N& E can explain 10 percent of variant of cell-phone over-use. More results indicated that there is no significant difference in cell-phone use level between the technical and humanistic students. In the contrary, there is a significant difference between married and single, boy and girl students. Then it is concluded that cell-phone use in female students were higher than male ones and he use of cell-phone in single students were higher than married students as well ( $p < 0.001$ ).

**Conclusions:** The results show the importance of personality factors in predicting the cell-phone over-use in students

**Keywords:** Cell-phone Over-use, Big five factors, students

یکی از وسایل پرکاربرد امروزی در ارتباطات انسانی تلفن همراه می‌باشد. امروز تلفن همراه به عنوان یکی از مظاهر فناوری ارتباطی نوین در زندگی فردی و اجتماعی بشر جایگاهی قدرتمند دارد و جزء لاینفک مناسبات روزمره محسوب می‌شود. بسیاری از محققان معتقدند استفاده بیش از اندازه از تلفن همراه در ذهن و اعصاب کاربران نوعی اعتیاد پدید می‌آورد که درست مانند اعتیاد به مواد مخدر، الکل، پرخوری، رابطه غیراخلاقی، بازی‌های رایانه‌ای، اینترنت مخرب است (حسینی، ۱۳۸۴). استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه، وضعیتی که با استفاده فراوان و اشتغال ذهنی از تلفن همراه مشخص می‌شود (جنارو، فلورس، گومز، گونزالزگیل و کابالو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). نتایج تحقیقات پزشکی که درباره تأثیرات جسمی تلفن همراه صورت می‌گیرد به نفع این وسیله ارتباطی نیست. بی‌تردید تکنولوژی و رشد صنعت بر ابعاد سلامت انسان موثر است. امروزه رشد چشم‌گیری در استفاده مفرط از تلفن همراه وجود دارد و این رشد گسترده توجه پژوهشگران را به آثار زیستی ناشی از این تلفن‌های همراه معطوف داشته است. این در حالی است که به اثرات روان‌شناختی و اجتماعی استفاده طولانی مدت از این وسیله ارتباطی توجه کافی نشده است. کامیپو و سوگیرا (۲۰۰۵) و بیل لیوکس، ون درلین، دآسرمونت، سشی و زرماتن<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) عنوان می‌کنند که ظرفیت‌های اعتیادآور تلفن همراه را نباید مورد غفلت قرار داد. جهش روز افزونی در خصوص توجه به اعتیاد اینترنتی در ویرایش جدید راهنمای آماری اختلالات روانپزشکی بوجود آمده است (DSM، بلوک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). طبق اظهار نظر بلوک این اختلالات متعلق به وسواس فکری- عملی هستند و به عنوان یکی از موضوعات سلامت عمومی جدی در کره جنوبی و دیگر کشورهای آسیایی تبدیل شده است. موارد بالینی نیز در کشور آمریکا (بلک<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۹؛ شاپیرا، گلداسمیت، کک، خوسلاو و مک الروی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰؛ شاپیرا، لسینگ، گلداسمیت، سزابو، لازوریتز و گولد<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳؛ یانگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷)، بریتانیای کبیر (گریفیس، ۲۰۰۰)، ایتالیا (ناردونی و

- 
- 1- Jenaro, Flores, Gomez, Gonzalez, Gil & Caballo
  - 2- Billieux, Van der Linden, D'Acremont, Ceschi & Zermatten
  - 3- Block
  - 4- Black
  - 5- Khosla & McElroy.
  - 6- Shapira. Goldsmith, Keck, Szabo, Lazoritz & Gold
  - 7- Young

کاگنونی<sup>۱</sup>، (۲۰۰۳) و اسپانیا (سانز، کارمونا و مارین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴، واتیکون، باین، پاسکل و گراسیا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱) دیده شده است.

بیماران وسواس فکری- عملی مستعد درمان با درمانهای شناختی و رفتاری اند (یانگ، ۲۰۰۷). یانگ عنوان می‌کند که معتادان به اینترنت شناخت‌های بسیار مشکل‌زایی را نسبت به غیرمعتادین دارند که در استفاده آسیب‌زای اینترنت نیز سهم دارد، زیرا مکانیزم گریز روان‌شناختی برای اجتناب از مشکلات ادراک شده و واقعی را فراهم می‌کند. شواهد نشان دهنده آن است که استفاده مفرط از تلفن همراه مرتبط با الگوهای رفتاری دیگر از جمله بیدار ماندن در شب و اشتغال به تبادل پیام کوتاه و همچنین وابستگی عاطفی است که در ذهن کاربران ایجاد می‌شود. به‌طوری که این افراد معتقدند که بدون استفاده از تلفن همراه قادر به زندگی کردن نیستند. این یافته‌ها حمایت‌کننده تاثیر منفی استفاده مفرط از تلفن همراه و تاثیر منفی آن بر سلامت جسمی و روان‌شناختی دانشجویان است (کامیپپو و سوگیرا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). در همین راستا آگراوال و دی پیندر، شارما، رانگا و لی<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) نشان دادند که استفاده از تلفن همراه بر کیفیت نطفه در مردان با کاهش مقدار اسپرم، جنبندگی، تحرک، زیست‌پذیری و ریخت‌شناسی بهنجار تاثیر منفی دارد. امواج الکترومغناطیس فعالیت الکتروآنسفالوگرام را تغییر می‌دهند و سبب آشفتگی در خواب و تمرکز شده و خستگی و سردرد را به‌وجود می‌آورند (آگراوال و همکاران، ۲۰۰۸). مطالعات دیگر نیز نشان داد که  $EMW^6$  دامنه گسترده‌ای از تاثیرات مخرب را روی کارکرد سلول تخم و ریشه آن دارد (روزالی و همکاران، ۲۰۰۳).

در حوزه تاثیرات تلفن همراه بر رانندگی نیز تحقیقات نشان داده است که استفاده از تلفن همراه به طور معنی‌داری بر عملکرد رانندگان تاثیر می‌گذارد (مک‌اوی<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۵؛ ردی‌لمیتر<sup>۸</sup> و تیباشیرانی<sup>۹</sup>، ۱۹۹۷؛ استرایر و جانستون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱؛ استرایر، دریوس و

1- Nardone & Cagnoni

2- Sanz, Carmona & Marin

3- Vaticon, Bayn, Pascual & Garcia

4- Kamibeppu & Sugiura

5- Agarwal, Deepinder, Sharma, Ranga & Li

6- electromagnetic wave

7- McEvoy

8- Redelmeier

9- Tibshirani

10. Strayer & Johnston



جانستون، ۲۰۰۳). مطالعه دیگر توسط<sup>۱</sup> NHTSA در سال ۲۰۰۵ نشان داد که ۶/۱۲ درصد رانندگان جوان بین سنین ۱۵ تا ۲۰ سال در تصادفات کشنده و ۱۶٪ از رانندگان در تصادفات نیازمند گزارشات پلیس بودند. براساس مطالعه‌ای تجربی بسیاری از پژوهشگران نتیجه‌گیری کردند که استفاده از تلفن همراه در هنگام رانندگی به‌طور معنی‌داری خطر تصادفات را افزایش می‌دهد. برطبق ردی لمیر و تیباشیرانی<sup>۱</sup>(۱۹۹۷) خطر تصادف در حین استفاده از تلفن همراه ۴ برابر بیشتر از زمانی است که فرد از تلفن همراه استفاده نمی‌کند. همچنین، به‌نظر می‌رسد که تلفن‌های دست آزاد<sup>۲</sup> (hand free) نسبت به‌دیگر انواع مزیتی نداشته باشند. ردلمیر و تیباشیرانی<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) عنوان کردند که مطالعات اولیه، افزایش خطر تصادف رانندگی را هنگام استفاده از تلفن همراه گزارش دادند. سو و ترابی<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) گزارش دادند که ۲۱٪ دانشجویان دانشگاه تصادف و اتفاقی نزدیک به تصادفی را حین استفاده از تلفن همراه تجربه کرده اند.

تریمل و پولزی<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) گزارش کردند که حتی صداهای پایه از جمله صدای ترافیک، ترافیک، گفتار نامربوط به توجه به قسمت‌های عقبی پوسته مغز آسیب می‌رساند. استایر و جانستون (۲۰۰۱) عنوان کردند که تلفن‌های همراه به‌طور منفی بر عملکرد رانندگان با هدایت محدود توجه به فعالیت‌های شناختی دیگر تاثیر می‌گذارند. هونتون و روس<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) دریافتند که مکالمات تلفنی رانندگان در مقایسه با مکالمات عابران پیاده بسیار پرخطرتر هستند. فقدان اشارات غیرکلامی مکالمات تلفن همراه منابع شناختی بیشتری را درگیر می‌سازد. مرکز پژوهش‌های دانشگاه کالیفرنیا شمالی در بررسی خود دریافت که حین استفاده از تلفن همراه زمان واکنش کندی در پاسخ به محرک‌ها وجود دارد (رینفورت، هوانگ، فگاس و هانترو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). ریچارد و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) نشان دادند دادند که زمان پاسخگویی وقتی که فرد با محرک شنیداری روبه رو می‌شود در قیاس با زمانی که به محرک تصویری پاسخ می‌دهند بسیار کندتر است.

- 
1. national traffic highway safety administration
  2. Seo & Torabi
  3. Trimmel & Poelzl
  4. Hunton & Rose
  5. Reinfurt , Huang, Feaganes & Hunter
  6. Richard

سرویس پیام کوتاه از جمله کاربردهای تلفن همراه است. افزایش رو به رشد استفاده از پیامک در تلفن‌های همراه منجر به ایجاد سوال در زمینه تأثیرات روان‌شناختی و اجتماعی این رسانه جدید شده است. بر طبق زمینه‌یابی گسترده نوکیا از ۳۳۰۰ نفر بیش از ۸۰٪ از این افراد عنوان نمودند که از سیستم SMS یا همان پیام کوتاه به‌وفور استفاده می‌کنند. دیگر پژوهش‌ها نشان داده است که ۸۰٪ از افراد ۱۴ تا ۱۶ ساله تلفن همراه داشته و از پیامک بهره می‌برند (تورلو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). ۹٪ از این نوجوانان اظهار داشتند که بیشتر از SMS استفاده می‌کنند تا مکالمه (هایگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). با این‌وجود علیرغم تعداد کم پژوهش‌های کیفی نوجوانان از پیامک (تورلو، ۲۰۰۳)، پژوهشگرانی همچون کاسینمی و روتانین<sup>۳</sup> (۲۰۰۲)، لینگ و تیری<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) و پورو<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) به بررسی تأثیرات روان‌شناختی شناختی پیامک بر تعامل اجتماعی میان کاربران عادی و همین‌طور پیامدهای دراز مدت پیام‌رسانی در ایجاد و ابقا این روابط پرداختند. در پژوهش دیگر تورلو (۲۰۰۳) در خصوص پیامک‌های دانشجویان دوره لیسانس تنها یک سوم پیام‌های آنها محتوای اهداف عملی و کاربردی داشت و بیشتر شامل کاربردهای عاطفی، ابقاء دوستی‌ها و روابط عاشقانه و اجتماعی، دلبستگی و صمیمیت بالا بود. به‌نظر می‌رسد پیامک‌های متنی فرصتی را برای تماس شخصی صمیمی فراهم می‌سازند. در حالیکه همزمان ضرورت کناره‌گیری، مدیریت خود اظهاری و درگیری را نیز امکان‌پذیر می‌نمایند.

از دیگر کاربردهای تلفن همراه قابلیت اتصال به اینترنت است. با تمرکز بر جوانب مثبت استفاده حرفه‌ای از اینترنت، مک کنا<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۰) تلاش نمودند تا در خصوص پیامدهای بین فردی و اجتماعی اینترنت نیز به تحقیق بپردازند. مک کنا و بارق<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) دریافته‌اند که استفاده منظم و پیوسته از پست الکترونیکی و پیامک تلفن همراه همراه و مشارکت در گروه کاربران زندگی آنها را بهبود بخشیده بخصوص کسانی که مشکلاتی در حوزه ارتباط چهره به چهره تجربه کرده‌اند (افرادی که از نظر اجتماعی

- 
1. Thurlow
  2. Haig
  3. Kasesniemi & Rautiainen
  4. Kasesniemi & Rautiainen
  5. Puro
  6. McKenna
  7. Bargh

آشفته یا تنها هستند و یا هویت‌های گوشه‌گیر و حاشیه‌ای دارند) (بامرود<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ مک‌کنا و همکاران، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها این واقعیت را نادیده می‌گیرند که در مقایسه با رایانه‌های شخصی و شبکه‌ی اینترنت، انسان‌های بیشتری در زندگی روزمره خود با تلفن همراه مرتبط‌اند و از آن بهره می‌گیرند. برای مثال در برخی کشورها تعداد خطوط تلفن‌های همراه از جمعیت کشور پیشی گرفته است؛ به طوری که برای نخستین بار در سال ۲۰۰۱، تعداد تلفن‌های همراه در دنیا از تعداد تلویزیون‌ها بیشتر شد. همچنین، هزینه‌هایی که افراد به‌طور ماهانه برای تلفن همراه پرداخت می‌کنند، بسیار بالاتر از هزینه‌ای است که برای مثال، برای استفاده از اینترنت می‌پردازند (گزر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴).

استفاده از این وسیله مشکلاتی را در حوزه از هم گسیختگی اجتماعی به وجود آورده است. به طوری که در برخی اماکن به صدا در آمدن تلفن همراه سبب ناراحتی افراد می‌شود (اشنایدر<sup>۳</sup>، استروف و السورس<sup>۴</sup>، ۱۹۷۹). در همین راستا آستین<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) پژوهشی را تحت عنوان تاثیر استفاده از تلفن همراه بر ادراک و گمان افراد انجام داد. نتایج تحقیق او نشان داد که تکنولوژی می‌تواند سبب از هم گسیختگی شود.

نتایج حاصل از برخی مطالعات اپیدمیولوژیک بیانگر آن است که امواج تلفن همراه حتی با چگالی توان کمتر از حد مجاز می‌تواند باعث بروز علامی مانند سر درد، احساس گرما در گوش، ضعف حافظه و خستگی گردد. ارتباط معنی‌داری بین مدت مکالمه / تعداد مکالمه در روز با بروز علائم وجود دارد (هاوکیکنک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳؛ افتدال<sup>۷</sup>، ویلن<sup>۸</sup>، سانداستروم<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۱؛ یولیتسیس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۲). در خصوص آنتن‌های گیرنده و فرستنده و قرارگیری آنها، تحقیقات علائمی مانند سردرد، اضطراب، افسردگی و خستگی را در ساکنان اطراف آنتن‌ها گزارش کرده‌اند (ناوارو<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳؛ سانتینی<sup>۱۲</sup> و

- 
1. Bamrud
  2. Geser
  3. Schneider
  4. Hastorf, & Ellsworth
  5. Austin
  6. Hocking
  7. Oftedal
  8. Wilen
  9. Sandstrom
  10. Yioultsis
  11. Navarro
  12. Santini

همکاران، ۲۰۰۲؛ روزلی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). کرافت<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۲) عنوان کردند که که لوب گیجگاهی بیشتر در معرض میدان‌های الکترومغناطیس حاصل از تلفن همراه می‌باشد. کیزیلی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۳) عنوان نمودند که گوش استفاده‌کنندگان در ضمن صحبت با تلفن همراه در نزدیکی منبع میدان الکترومغناطیسی قرار دارد و مقدار فاصله آنتن تا گوش داخلی فقط چند سانتی‌متر است. از طرف دیگر می‌توان به القاء پروتئین‌های استرس تحت امواج تلفن همراه (فریتز<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۷) و نیز اثر این امواج روی فعالیت‌های مغز (هامبلین<sup>۵</sup> و وود<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲) اشاره کرد.

از جمله نظریه‌هایی که تأثیر بسیاری بر تحقیق و نظریه در شخصیت دارد، نظریه صفات است. در این دیدگاه شخصیت به اجزایی که صفات نامیده می‌شود تقسیم می‌شود و تلاش می‌کنند که رفتار شخص را با اندازه‌گیری صفات پیش‌بینی نمایند. طرفداران این دیدگاه معتقدند خصوصیات شخصیتی هر طور که ارزیابی شوند، با رفتار ارتباط دارند. فرض اصلی این دیدگاه این است که پاسخ‌های متفاوت انسانها به موقعیت‌های خاص، به دلیل آمادگی‌های مشخصی است که در آنها موجود است. به این آمادگی‌ها صفات گفته می‌شود. به عبارت دیگر، افراد را می‌توان با توجه به این طرز رفتارهای خاص آنها، شناسایی و توصیف نمود. اگرچه این نظریه‌پردازان در تعیین صفاتی که شخصیت انسان را تشکیل می‌دهند از یکدیگر متفاوتند، ولی همگی آنها بر این باورند که این صفات، پایه‌های اصلی شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد. در روان‌شناسی، پنج ویژگی اساسی شخصیت، پنج عامل یا بُعد گسترده شخصیت است که از طریق تحلیل واژگانی توسعه یافته است. این تحلیل منطقی و آماری لغات مربوط به شخصیت است که از واژه‌نامه زبان طبیعی بدست آمده است (گلدبرگ<sup>۷</sup>، ۱۹۹۳). از این ویژگی همچنین با عنوان «مدل پنج عاملی»<sup>۸</sup> (FFM) نیز یاد می‌شود. با وجود مناقشات بر سر این عامل‌ها، این مدل در مطالعات گوناگون در کشورها، فرهنگ‌ها، سن‌ها و جنسیت‌های مختلف مورد استفاده قرار

- 
1. Roosli
  2. Croft
  3. Kizilay
  4. Fritze
  5. Hamblin
  6. Wood
  7. Goldberg
  8. Five factor model

گرفته است (حق‌شناس، ۱۳۸۵). الگوی پنج‌عاملی شخصیت (NEO-FFI) برای ارزیابی سریع پنج عامل اصلی (بی‌ثباتی هیجانی، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه‌ها، توافق و وجدانی بودن) طراحی شده است (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۱؛ کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲؛ به نقل از ماسر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷).

هامبرگر و آرتزی<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) عنوان کردند که بین اعتیاد به اینترنت و رسانه‌ها با روان رنجورخویی و برون‌گرایی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین دریافتند که برون‌گرایی به صورت منفی و روان رنجورخویی به‌طور مثبت و معنی داری با استفاده از سایت‌های اجتماعی آنلاین رابطه دارد. کیمبرلی و رادجرس<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) دریافتند که افراد معتاد به اینترنت و رسانه‌ها دارای ویژگی‌های خود ا تکایی، واکنش‌پذیری، حساسیت هیجانی، شب زنده‌داری، خودافشایی کم و ناهم‌نوایی هستند. ینگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) در بررسی خصوصیات شخصیتی پیش بین اعتیاد به اینترنت دریافت که حمایت اجتماعی کم، ماجراجویی- هیجان‌خواهی و هدفمندی زندگی پایین پیش‌بین‌های اعتیاد به اینترنت هستند. کاراهوچا<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) عنوان نمودند که بین فراوانی ارسال پیامک و ویژگی شخصیتی شخصیتی برون‌گرایی رابطه وجود دارد. ازوی<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی روی دانشجویان دختر پرستاری دریافتند که بین وابستگی به تلفن همراه و سبک زندگی بی- کیفیت و ویژگی‌های برون‌گرایی و روان رنجورخویی رابطه وجود دارد و روان رنجوربی- خوبی رابطه‌ای مثبت و برون‌گرایی رابطه‌ای منفی دارد.

دیگر پژوهش‌ها حاکی از آن است که روان رنجورخویی و برون‌گرایی به‌طور معنی داری با سوء مصرف الکل (رویز، پینکاس و دیکنسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳) و سوء مصرف مواد (مک- کورمیک، دودما، کیواک و زاگارا<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸)، اعتیاد به اینترنت (ولفردت و دول<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱) رابطه دارد. ایگاراشی<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۸) گزارش کرد که برون‌گرایی و روان رنجورخویی ویژگی-

- 
1. Moser
  2. Artzi
  3. kimberly & Rodgers
  4. ying
  5. Karahoca
  6. Ezoe
  7. Roiz Picus & Dickinson
  8. McCormick, Dowd, Quirk & Zegarra
  9. Wolfradt & Doll
  10. Igarashi

های مهم شخصیتی هستند که با استفاده بیش از حد از تلفن همراه همبستگی دارند. تودا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۶) نیز عنوان نمودند بین استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه و سبک زندگی ناسالم رابطه وجود دارد. هاردی<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و روان-شناختی همبسته با اعتیاد به اینترنت دریافت که افراد معتاد به اینترنت دارای ویژگی روان-رنجورخویی، آشفتگی اجتماعی و تنهایی هیجانی هستند. همچنین، آنها کمتر برون‌گرا بوده و هدف آنها کسب حمایت اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنتی است. در کل بین اعتیاد به اینترنت با احساس تنهایی و اضطراب (مودی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ شپرد و ادلمان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵ و یوگیو<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۶) و حمایت اجتماعی نابسنده (کامینگز<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۲ و کراوت<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۲) رابطه وجود دارد.

تلفن همراه در کنار اینترنت، از اصلی‌ترین نشان‌های این عصر جدید هستند. با وجود افزایش تعداد کاربران به میلیون‌ها نفر هنوز تلفن همراه موضوع پژوهش‌های جدی و علمی قرار نگرفته است. تلفن همراه در ابتدا به‌عنوان وسیله‌ای با قابلیت جابه‌جایی وارد جامعه شد و پس از مدت کوتاهی شیوه ارتباط با یکدیگر را دگرگون کرد (محمودی بختیاری و آدی بیک، ۱۳۸۸). این در حالی است که پیش‌بین‌های شخصیتی استفاده آسیب‌زا از این وسیله ارتباطی چندان مورد توجه واقع نشده است. سلامت روانی جوانان، یکی از مقوله‌های مهم در مباحث روان‌شناسی و جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. تحقیق حاضر با عنایت به این خلاء به بررسی رابطه پنج عامل نیرومند شخصیتی و استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه در میان دانشجویان که استفاده فراوانی از این وسیله پرکاربرد دارند می‌پردازد. لذا این سوال مطرح می‌شود که آیا بین ویژگی‌های شخصیتی و استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه در دانشجویان رابطه وجود دارد؟

## روش

- 1.Toda
- 2.Hardie
- 3.Moody
- 4.Sheperd & Edelman
- 5.Yaoguo
- 6.Cummings
- 7.Kraut

این پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری متشکل از کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی دزفول بود که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. نمونه شامل ۲۷۵ نفر بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند، بدین‌صورت که با مراجعه به کلاس‌های عمومی که همه دانشجویان شانس انتخاب را داشتند پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در اختیار آنان قرار گرفت. ۶۵٪ از آزمودنی‌ها دختر و ۳۴٪ پسر بودند. ۴۲٪ آنها در رشته‌های فنی و ۵۸٪ در رشته‌های انسانی مشغول به تحصیل بودند. همچنین، ۷۱۸۰٪ نمونه را دانشجویان مجرد و ۲۹٪ را متاهلین تشکیل می‌دادند.

### ابزار پژوهش

الف) پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیتی NEO-FFI: پرسشنامه NEO-FFI فرم کوتاهی از پرسشنامه تجدیدنظر شده NEO (NEO-PI-R)، کاستا و مک‌گری، (۱۹۹۲) است که برای ارزیابی مختصر و سریع پنج عامل اصلی شخصیت طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۶۰ ماده است، ۵ بعد شخصیت بهنجار را اندازه‌گیری می‌کند و شامل ۱۲ ماده برای هر یک از پنج بُعد است (کاستا و مک‌گری، ۱۹۹۲). خرده‌مقیاس‌های هر یک از پنج عامل عبارتند از: ۱- عصبیت یا بی‌ثباتی هیجانی<sup>۱</sup> (N) ۲- برون‌گرایی<sup>۲</sup> (E) ۳- باز بودن به تجربه<sup>۳</sup> (O) ۴- توافق<sup>۴</sup> (A) و ۵- وجدانی بودن<sup>۵</sup> (C). ضریب آلفای<sup>۲</sup> گزارش شده پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیتی NEO-FFI توسط مک‌گری و کاستا بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. در تحقیقی که توسط بوچارد<sup>۳</sup> و همکاران در سال ۱۹۹۹ صورت گرفت، ضریب آلفا برای عصبیت ۰/۸۵، برای برون‌گرایی ۰/۷۲، برای باز بودن به تجربه، ۰/۶۸، برای توافق ۰/۶۹ و برای وجدانی بودن ۰/۷۹ بدست آمده است که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بوچارد و همکاران، ۱۹۹۹). ضریب همبستگی بین نمره‌های شاخص‌های NEO-FFI با NEO-PI-R در نمونه ABLSA<sup>۵</sup> به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۷۷ و ۰/۸۷ برای

- 
1. Neuroticism
  2. Extroversion
  3. Openness to experience
  4. Agreeableness
  5. Conscientiousness

شاخص‌های A, O, E, N و C محاسبه شد. حق‌شناس (۱۳۸۵) ضریب اعتبار بازآزمایی<sup>۴</sup> را برای یک گروه نمونه ایرانی شامل ۲۰۸ دانشجوی با سه ماه فاصله زمانی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۹، ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۸۳ برای عصبیت، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه، توافق و وجدانی بودن بدست آورد (ملازاده، ۱۳۸۷). در زمینه روایی همزمان این پرسشنامه، بین پرسشنامه ریخت مایرز بریگز<sup>۵</sup>، پرسشنامه شخصیتی مینه‌سوتا<sup>۶</sup>، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا<sup>۷</sup>، بررسی مزاج گیلفورد و زاکرمن<sup>۸</sup>، سیاهه یا فهرست رگ‌ها و مقیاس رگه بین فردی، رابطه بالایی مشاهده شده است. این یافته‌ها نشانگر روایی مناسب این پرسشنامه است (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

ب) **مقیاس COS**: ابزار مورد استفاده مقیاس استفاده مفرط از تلفن همراه است که توسط جنارو و همکاران (۲۰۰۷) ساخته شده است. آنان پایایی آن را به روش همسانی درونی روی دانشجویان دختر و پسر اسپانیایی  $\alpha = .87$  گزارش دادند. این مقیاس بر اساس ده شاخص روانشناختی از راهنمای تشخیص و طبقه بندی اختلالات روانی طراحی شده است. این مقیاس ۲۳ آیتم دارد و دارای خرده مقیاس و زیر عامل نیست. همچنین، COS بر اساس طیف لیکرت شش گزینه ای (۱- هرگز ۲- تقریباً هرگز ۳- برخی اوقات ۴- اغلب ۵- تقریباً همیشه ۶- همیشه-) نمره گذاری می شود. نمرات بالا منعکس کننده استفاده مفرط است (جنارو و همکاران، ۲۰۰۷). گل محمدیان و یاسمی نژاد (۱۳۸۹) اعتبار آزمون به روش آلفای کرونباخ را ۹۰٪ گزارش کردند. همچنین، پایایی مقیاس را از طریق بازآزمایی و روایی دونیمه کردن رضایت بخش گزارش کردند.

## یافته‌ها

- 
1. validity
  2. alpha
  3. Bouchard
  4. test-retest
  5. Myers Berigs
  6. MMPI
  7. California
  8. Gilford & Zakerman



یافته های توصیفی این پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار و... می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی، همبستگی پیرسون، و رگرسیون چند گانه گام به گام و t برای گروه های مستقل استفاده شد. در این پژوهش، متغیر ملاک استفاده آسیب زا از تلفن همراه می باشد. همچنین متغیرهای پیش بین شامل ابعاد پنج گانه شخصیتی دانشجویان می باشد.

شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	تعداد معتبر
سن	۲۲/۹۳	۵/۵۸	۲۸	۵۲	۲۷۵
بی ثباتی هیجانی	۲۵/۶۹	۶/۹۸	۷	۴۲	۲۷۵
برون گرایی	۱۹/۲۴	۶۰/۷	۵	۴۳	۲۷۵
باز بودن به تجربه	۲۱/۸۰	۵/۰۳	۷	۳۲	۲۷۵
توافق	۶۰/۷۶	۵/۳۷	۹	۴۵	۲۷۵
وجدانی بودن	۱۳/۳۰	۵/۹۲	۱	۳۱	۲۷۵
استفاده آسیب زا از تلفن همراه	۶۲/۳۷	۱۴/۱۶	۱۰	۱۰۸	۲۷۵

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار، حداقل، حداکثر و تعداد معتبر متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود میانگین سن آزمودنی ها ۲۲/۹۳ سال است. همچنین میانگین متغیرهای استفاده آسیب زا از تلفن همراه ۳۷/۶۲، بی ثباتی هیجانی ۲۵/۶۹، برون گرایی ۱۹/۲۴، باز بودن به تجربه ۲۱/۸۰، توافق ۶۰/۷۶ و وجدانی بودن ۱۳/۳۰ است.

اطلاعات توصیفی گروه ها از نظر جنس، رشته و وضعیت تاهل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- اطلاعات توصیفی گروه ها از نظر استفاده آسیب زا از تلفن همراه بر حسب

جنس، رشته و وضعیت تاهل دانشجویان

رشته	تاهل		جنس			شاخص	استفاده آسیب زا از تلفن همراه
	فنی	متاهل	مجرد	پسر	دختر		
انسانی	۱۵۵	۹۶	۱۷۹	۱۱۱	۱۶۴	تعداد	
	۶۲/۰۸	۶۰/۸۱	۶۷/۷۵	۵۴/۶۳	۶۱/۸۶	میانگین	
	۱۶/۸۰	۱۲/۸۱	۱۷/۵۱	۱۳/۷۲	۱۷/۹۹	انحراف معیار	
	۱۰	۲۷	۱۰	۲۳	۱۰	حداقل	
	۱۰۶	۸۷	۱۰۸	۱۰۵	۱۰۸	حداکثر	

جدول ۲ شاخصهای توصیفی متغیرهای جنس، رشته و وضعیت تاهل آزمودنی ها را از نظر تعداد، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نشان می دهد.

ب) تحلیل داده ها :

جهت بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی پنج گانه و میزان استفاده آسیب زا از تلفن همراه در آزمودنی های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که خلاصه نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- ضریب همبستگی ساده بین ویژگی های شخصیتی پنج گانه و استفاده از

تلفن همراه

شاخص های آماری	بی ثباتی هیجانی	برونگرایی	باز بودن به تجربه	توافق	وظیفه شناسی
ضریب همبستگی (r)	۰/۲۷۱**	-۰/۲۱۰**	۰/۰۳۲	۰/۰۶۲	۰/۰۷۸
سطح معنی داری (P)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۶۷۴	۰/۴۱۵	۰/۳۰۸

\*\* P < ۰/۰۱

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود بین ویژگی شخصیتی برونگرایی و استفاده آسیب زا از تلفن همراه رابطه منفی معنی دار وجود دارد. همچنین، بین بی ثباتی هیجانی و استفاده آسیب زا از تلفن همبستگی مثبت معنی دار وجود دارد. جهت بررسی همبستگی چند گانه بین ویژگی های شخصیتی و استفاده آسیب زا از تلفن همراه از تحلیل رگرسیون استفاده شده که خلاصه نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴ - خلاصه تحلیل رگرسیون چند گانه گام به گام برای پیش بینی استفاده آسیب زا از تلفن همراه براساس ویژگی های شخصیت

مقدار ثابت	ضرایب رگرسیون (S)		نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR ↓	شاخصهای آماری	متغیر ملاک	رود (enter)
۳۶/۱۰	$\beta = .271$ $t = 3.70$ $p = 0.000$					$F = 13.70$ $p = 0.000$		
۴۴/۶۹	$\beta = -.171$ $t = -2.32$ $p = 0.021$	$\beta = .243$ $t = 3.32$ $p = 0.001$	$F = 5.45$ $p = 0.003$	۰.۱۰	.۳۱	برونگرایی		

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می شود ضریب تعیین محاسبه شده حاکی از آن است که ۱۰٪ از واریانس استفاده آسیب زا از تلفن همراه توسط متغیرهای بی ثباتی هیجانی و برونگرایی قابل تبیین است.

جهت بررسی تفاوت بین دانشجویان دختر و پسر، فنی- انسانی و متاهل- مجرد از نظر استفاده از تلفن همراه از آزمون T برای گروه های مستقل استفاده شده است که خلاصه نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- آزمون t گروه های مستقل برای معناداری تفاوت میانگین نمرات دو جنس، فنی- انسانی و متاهل- مجرد از نظر استفاده از تلفن همراه

گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	p
دختر	۱۶۴	۶۱/۸۶	۱۷/۹۹	۲۷۳	-۲/۴۵	/۰۲۲
پسر	۱۱۱	۵۴/۶۳	۱۳/۷۲			
مجرد	۱۷۹	۶۷/۷۵	۱۷/۵۱	۲۷۳	۲/۰۰۰	/۰۴۷
متاهل	۹۶	۶۰/۸۱	۱۲/۸۱			
فنی	۱۲۰	۶۶/۱۹	۱۶/۸۰	۲۷۳	/۹۲۳	/۱۸۰
انسانی	۱۵۵	۶۲/۰۸	۱۴/۱۷۹			

نتایج جدول ۵ نشان می دهد که بین دختران و پسران و دانشجویان متاهل و مجرد از نظر استفاده آسیب زا از تلفن همراه تفاوت معنی داری وجود دارد. نگاهی به میانگین های دو گروه نشان می دهد که دختران در استفاده آسیب زا از تلفن همراه میانگین های بالاتری داشته اند. همچنین، سطوح معناداری نشان می دهد که بین دانشجویان رشته های فنی و انسانی از نظر استفاده آسیب زا از تلفن همراه تفاوت معنی داری وجود ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

هدف کلی پژوهش حاضر تعیین رابطه استفاده آسیب زا از تلفن همراه با ویژگی های شخصیتی بود. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین استفاده آسیب زا از تلفن همراه با روان رنجورخویی رابطه مثبت معنی داری دارد. این یافته با یافته های هامبرگر و آرتزی (۲۰۰۳)، کیمبرلی و رادجرس (۱۹۹۸)، هامبرگر و آرتزی (۲۰۰۳)، ازوی (۲۰۰۸)، ولفردت و دول (۲۰۰۱)، هاردی (۲۰۰۷)، مودی (۲۰۰۱)، شپرد و ادلمان (۲۰۰۰)، یوگیو و

همکاران (۲۰۰۶)، ناوارو و همکاران (۲۰۰۳)، سانتینی و همکاران (۲۰۰۲) و روزلی و همکاران (۲۰۰۳) همسو می باشد. تحقیقات در خصوص اثرات امواج تلفن همراه و آنتن های گیرنده و فرستنده و قرار گیری آنها نشان داده که علایمی مانند سردرد، اضطراب، افسردگی و خستگی را در ساکنان اطراف آنتن ها گزارش شده است (ناوارو و همکاران، ۲۰۰۳؛ سانتینی و همکاران، ۲۰۰۲؛ روزلی و همکاران، ۲۰۰۳). اشتغال زیاد به تماس های تلفن همراه به ویژه ارسال و دریافت پیامک در بین جوانان نگرانی ها و دلشوره های زیادی را در افراد ایجاد می کند. به طوری که برخی از کاربران در خصوص پاسخ ها و کیفیت آنها مشغله فکری زیادی دارند و ماحصل این فعالیت ها اختلال در نظم خواب و پرداختن به تکالیف روزمره را موجب می شود. استفاده بیش از اندازه و غیرضروری از تلفن همراه برای کاربر استرس و پریشانی ذهنی پدید می آورد. فرد مبتلا در طول روز چندین بار احساس می کند گوشی تلفن همراهش زنگ می خورد. پژوهش ها نشان می دهد حداقل دو سوم کاربران به این نوع تیک عصبی دچارند و بیش از ۷۰ درصد کاربران مبتلا آن را تجربه ای تلخ و حالتی ناخوشایند توصیف می کنند. در واقع ارسال بیش از اندازه پیام کوتاه نیز نوعی وسواس و اختلال ذهنی به دنبال دارد (حسینی، ۱۳۸۴).

همچنین نتایج نشان داد که بین استفاده آسیب زا از تلفن همراه با برونگرایی رابطه منفی معنی داری وجود دارد. این یافته با یافته های هامبرگر و آرتزی (۲۰۰۳)، کاراهوچا (۲۰۰۶)، ازوی (۲۰۰۸)، ولفردت و دول (۲۰۰۱)، ایگارش (۲۰۰۸) و هامبرگر و آرتزی (۲۰۰۳) همسو است. در خصوص تبیین یافته های این فرضیه می توان چنین عنوان کرد که شاید دانشجویان به دلیل مشغله زیاد با موبایل و استفاده های متعدد از این وسیله از بسیاری از فعالیت های روزمره خود غفلت می ورزند و این به نوبه خود روابط رو در رو و حضوری آنها را کم نموده و سبب انزوای آنها می شود. اگر چه تلفن های همراه مسبب راحتی افراد در انجام امور شده اند، نباید از نظر دور داشت که می تواند حضور اجتماعی ناخوانده و سرزده ای نیز داشته باشند (اشنایدر و همکاران، ۱۹۷۹).

خاموش بودن تلفن همراه در افرادی که استفاده مفرط از آن دارند تحمل ناپذیر است و موجب می شود حتی هنگام خواب یا در مواقع خاصی که گوشی تلفن همراه را خاموش می کنند یا در حالت سکوت قرار می دهند به استرس دچار شوند. فرد معتاد نمی تواند از گوشی تلفن همراه خود دور بماند و از هر ترفندی برای استفاده دائمی از آن بهره

می‌جوید. این نوع اعتیاد از علاقه و وابستگی فراتر می‌رود و به نوعی جنون در دسترس بودن تبدیل می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴). کامپیو و سوگیرا (۲۰۰۵) و بیل لیوکس، ون درلین، دآسرمونت، سشچی و زرماتن (۲۰۰۷) عنوان می‌کنند که ظرفیت‌های اعتیاد آور تلفن همراه را نباید مورد غفلت قرار داد. شواهد نشان دهنده آن است که استفاده مفرط از تلفن همراه مرتبط با الگوهای رفتاری دیگر از جمله بیدار ماندن در شب و اشتغال به تبادل پیام کوتاه و همچنین وابستگی عاطفی است که در ذهن کاربران ایجاد می‌شود. به طوری که این افراد معتقدند که بدون استفاده از تلفن همراه قادر به زندگی کردن نیستند (کامپیو و سوگیرا، ۲۰۰۵).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر و متاهل و مجرد از نظر استفاده از تلفن همراه تفاوت معنی داری وجود دارد. اما این تفاوت برای دانشجویان فنی و انسانی معنی دار نبود. به نظر می‌رسد که دانشجویان دختر زمینه کمتری برای روابط اجتماعی رو در رو و چهره به چهره دارند. شاید این وسیله برای آنان با توجه به قابلیت‌های آن فرصت بیشتری را برای اظهار خود در روابط آنها به وجود آورده است و این اشتغال زیاد به تلفن همراه نیز با مشکلات روانشناختی بالاتری همراه است. در همین راستا مک‌کنا (۲۰۰۲) استدلال کرد که خصیصه کلیدی تلفن همراه و اینترنت بخصوص توجه به اطلاعات شخصی، ظاهر، لکنت زبان، شرم و خجالت اجازه آزادی بیشتری را می‌دهد تا خود اظهاری را که در روابط شخصی نیازمند ارتباط چهره به چهره است به فرد بدهد. در حقیقت مک‌کنا (۲۰۰۲) دریافت که افراد تنهایی و تشویش خود را در اینترنت نسبت به دیگر مواقع بهتر ابراز و روابط دوستی نزدیک تری را گسترش می‌دهند، در حالیکه افراد دارای شبکه اجتماعی وسیع و تماس اجتماعی صمیمی اغلب از اینترنت برای اهداف اجتماعی استفاده می‌کنند (بیرنی و هوارت، ۲۰۰۲). بسیاری افراد اینترنت را به عنوان محیط سالم بدین معنی که روابطی نزدیک و بامعنی را ممکن می‌سازد در نظر می‌گیرند (مک‌کنا و همکاران، ۲۰۰۲). برای بسیاری از کاربران فرستادن یک پیامک برای ایجاد و ابقای روابط اجتماعی و هماهنگی‌های عملی ضروری است (لینگ و یتیری، ۲۰۰۲). با این وجود، خصایص اصلی تلفن همراه و پیامک نوشتاری را به عنوان بخشی از کاربرد معمول آن قرار داده است. اولاً خاصیت حضور، قابلیت جابجایی، و دسترسی همیشگی که توسط تلفن همراه عرضه می‌شود اجازه تبادل پیام‌های متنی را می‌دهد

(کاسینی و روتانین، ۲۰۰۲)، از طرف دیگر انتقال پیامک همچون پست الکترونیک ناهمزمانی را ممکن می‌سازد بدین معنی که این امکان را فراهم می‌سازد که فرد یا کاربر با استفاده از زمانی که در اختیار دارد پاسخ‌های خود را ساخته و آماده کند و در نهایت خویشتن را در پیام‌هایش ابراز دارد (چنولت، ۱۹۹۸؛ لینگ و یتیری، ۲۰۰۲). امروزه چنین به نظر می‌رسد که سبب کاربردهای متنوع تلفن همراه اکثر قشر جوان به این وسیله گرایش دارند. ارزان شدن تهیه سیم کارت هم سبب شده است که بسیاری از افراد بیش از یک یا دو سیم کارت داشته باشند. درکنار این قابلیت‌های متنوع، از تاثیرات منفی گوشی‌هایی که هر روزه با قابلیت‌های گوناگون به بازار می‌آیند نباید غافل شد. برخی از این تاثیرات در حوزه فردی و برخی در حوزه اجتماعی است به طوری که برخی اوقات در حوزه اجتماعی حریم شخصی افراد نقض می‌شود. در تایید این مدعا آموزش و پرورش و برخی ادارات اقدام به ممنوع نمودن استفاده از تلفن همراه در مکان‌های خاص خود کرده‌اند.

این تحقیق صرفاً در مورد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی دزفول انجام شد. پیشنهاد می‌شود تا در خصوص دانش‌آموزان نیز به کار برده شود. در پژوهش حاضر پیشرفت تحصیلی این دانشجویان و رابطه آن با استفاده از تلفن همراه مورد بررسی قرار نگرفت. بررسی رابطه ویژگی‌های جمعیتی یا حرفه‌ای نظیر سطح تحصیلات و شغل با سطوح استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه می‌تواند به روشن شدن موضوع تاثیرات روانشناختی استفاده مفرط از تلفن همراه کمک کند. بررسی نوع استفاده (سرگرمی، اینترنت، مکالمه، پیامک و...) و رابطه آن با سلامت عمومی می‌تواند تاثیرات این وسیله پرکاربرد را بهتر روشن سازد. همبستگی تنها به بررسی رابطه بین متغیر می‌پردازد و نشان دهنده علیت نیست و این مهمترین محدودیت مطالعات همبستگی است. استفاده از ابزار تکمیلی دیگری همراه پرسشنامه نظیر مصاحبه می‌تواند بر غنای اطلاعات بیافزاید.

## منابع

محمد زاده ابراهیمی، علی؛ رحیمی پردنجانی، طیبه؛ جمهری، فرهاد و برجعلی، احمد. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایتمندی زناشویی،

فصلنامه تازه‌های مشاوره. جلد ۹، شماره ۳۳.

حق شناس، حسن. (۱۳۸۵). طرح پنج عاملی ویژگیهای شخصیت (راهنمای تفسیر و هنجارهای آزمون NEO-PI-R و NEO-FFI، شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

حسینی، سید حسن. (۱۳۸۴). تحلیل جامعه شناختی رابطه اینترنت و اعتیاد به مواد مخدر. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره اول، شماره پیاپی ۳ و ۲، صص ۱۷-۱.

گل محمدیان، محسن و یاسمی نژاد، پریسا. (۱۳۸۹). هنجاریابی مقیاس COS و رابطه آن با سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه های آزاد منطقه شش. طرح پژوهشی مصوب دانشگاه آزاد اسلامی دزفول. معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول. شماره طرح: ۱۱۸۲۶

محمودی بختیاری، بهروز و آدی بیگ، آرزو (۱۳۸۸). تلفن همراه به عنوان رسانه ای مکتوب: مطالعه ای گفتمانی از متون طنز پیام کوتاه فارسی. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره پانزدهم. زمستان ۱۷۵: ۱۹۸-.

ملازاده، جواد. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین عوامل شخصیت و سبک های مقابله ای با سازگاری زناشویی در فرزندان شاهد. پایان نامه دکتری روانشناسی. دانشگاه تربیت مدرس.

Agarwal, A. , Deepinder, F. , Sharma ,K,S. , Ranga ,G. , & Li, G.(2008). Effect of cell phone usage on semen analysis in men attending infertility clinic: an observational study. *Journal of Fertility and Sterility*. Vol. 89, No. 1.

Austin, C. (2001). Impact of Cell Phone Disruptions on Perceptions and Impressions. *Journal of Experimental Social Psychology*, 13 (2), 141-154.

Hamburger ,Y. A, & Artzi, E. B. (2003). Loneliness and Internet use. *Computers in Human Behavior*. Volume 19, Issue 1, Pages 71-80.

Bamrud, J. (2002). SMS: The human factor. The Feature [On-line]. Available: <http://www.Thefeature.com/article.jsp?pageid=15434>



- Billieux, J. , Van der Linden, M. , D'Acremont, M. , Ceschi, G. , & Zermatten, A. (2007). Does impulsivity relate to the perceived dependence on actual use of the mobile phone? *Applied Cognitive Psychology*, 21, 527–537.
- Birnie, S. A., & Horvath, P. (2002). Psychological predictors of Internet social communication. *Journal of Computer-Mediated Communication (On-line)*, 7.
- Black, D. W. , Belsare, G. , & Schlosser, S. (1999). Clinical features, psychiatric co morbidity, and health-related quality of life in persons reporting compulsive computer use behavior. *Journal of Clinical Psychiatry*, 60, 839–844.
- Block, J. J. (2008). Issues for DSM-V: Internet addiction. *American Journal of Psychiatry*, 165(3), 306– 307.
- Bouchard,N. & Mc, Gue ,M. (1999). "Genetic and environmental influences on human psychological differences." *Journal of Neurobiology*, 54, 4-45.
- Chenault, B. G. (1998). Developing personal and emotional relationships via computer-mediated communication. *CMC Magazine (On-Line)*, May. *Addiction Research and Theory* 2007, 15(3):309-320
- Croft, R.J., Chandler, J.S., Burgess, A.P., Barry, R.J., Williams, M. D., & Clarke, A.R.(۲۰۰۲). Acute mobile phone operation affects neural function in humans. *Cline Neurophysiology*: 113 (10): 1623-32.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO Personality Inventory and NEO Five- Factor Inventory. Odessa, FL: *Psychological Assessment Resources*.
- Cummings, J.N., Sproull, L. & Kiesler, S.B. (2002) ‘Beyond hearing: Where real-world and online support meet’ *Group Dynamics: Theory, Research and Practice*, 6, 78-88.
- Ezoe, S (2008). Relationships of personality and lifestyle with mobile phone dependence among female nursing students. *Social Behavior and Personality: an international journal*, Volume 37, Number 2, pp. 231-238 .
- Fritze, K., Wiessner, C., Kuster, N., Sommer, C., Gass, P., & Hermann, D.M. ( 1997). Effect of global system for mobile

- communication microwave exposure on the genomic response of the rat brain, *Neuroscience*; 81(3):627-639.
- Geser, H. (2004). Towards a Sociological Theory of the Mobile Phone., available at [http:// socio. Ch/mobile/ t\\_geser1.pdf](http://socio.Ch/mobile/t_geser1.pdf).
- Goldberg, L. R. (1993). The structure of phenotypic personality traits. *American Psychologist*, 48, 26-34.
- Griffiths, M. L. (2000). Does internet and computer “addiction” exist? some case study evidence. *Cyber psychology & Behavior*, 3(2), 211–218.
- Haig, M. (2002). *Mobile marketing: The message revolution*. London: Kogan Page Limited.
- Hamblin D.L., & Wood, A.W. ( 2002). Effects of mobile phone emissions on human brain activity and sleep variables. *Int J Radiat Biol*. Aug;78(8):659-669.
- Hardie, E.A (2007). Excessive Internet Use: The Role of Personality, Loneliness and Social Support Networks in Internet addiction. *Australian Journal of Emerging Technologies and Society*, Vol. 5, No. 1, 2007, pp: 34- 47.
- Hocking B., & Westerman, R. (۲۰۰۳) . Neurological effects of radiofrequency radiation. *Occup Med*; 53:123-7.
- Hunton, J., & Rose, J. (2005). Cellular telephones and driving performance: The affects of attentional demands on motor vehicle crash risk. *Risk Analysis*, 25(4), 855-866.
- Igarashi, T. (2008). Trust does matter in social networks: A longitudinal study. *Paper presented at the 29th International Congress of Psychology, Berlin, Germany*.
- Jenaro, C. , Flores, N. , Gómez-Vela, M. , González-Gil, F. , & Caballo, C. (2007). Problematic Internet and cell-phone use: Psychological, behavioral, and health correlates. *Addiction Research & Theory*, 15(3), 309–320.
- Kamibeppu, K., & Sugiura, H. (2005). Impact of the mobile phone on junior high school students’ friends hips in the Tokyo metropolitan area. *Cyber psychology & Behavior*, 8(2), 121–130.
- Karhoca , A. (2006). Individual Differences in Usability of Cell Phone SMS Menus. *Proceedings of the 5th WSEAS*

*International Conference on Telecommunications and Informatics, Istanbul, Turkey. (pp485-490).*

- Kasesniemi, E. L., & Rautiainen, P. (2002). Mobile culture of children and teenagers in Finland. In J.E.Katz & M. Aakhus (Eds.), *Perpetual contact: Mobile communication, private talk and public performance* (pp. 170-192).Cambridge: Cambridge University Press.
- Kimberly, S. Y., & Rodgers. R, C. (1998). Internet Addiction: Personality Traits Associated with Its Development. *Paper presented at the 69th annual meeting of the Eastern Psychological Association.*
- Kizilay, A, Ozturan. O, Erdem. T, Kalcioglu, M.T & Miman, M.C.(2003). Effects of chronic exposure of electromagnetic fields from mobile phones on hearing in rats. *Auris Nasus Larynx: 30 (3): 239-45.*
- Kraut, R., Kiesler, S., Boneva, B., Cummings, J.N., Helgeson, V. & Crawford, A.M. (2002).correlates. ‘Internet paradox revisited’. *Journal of Social Issues, 58, 49-74.*
- Ling, R. & Yttri, B. (2002). Hyper-co-ordination via mobile phones in Norway. InJ.E.Katz & M. Aakhus (Eds.), *Perpetual contact: Mobile communcation, private talk and public performance* (pp. 139-169). Cambridge: Cambridge University Press.
- McCormick, R. A., Dowd, E. T., Quirk, S., & Zegarra, J. H. (1998). The relationship of NEO-PI performance to coping styles, patterns of use, and triggers for use among substance abusers. *Addictive Behaviors, 23, 497-507.*
- McEvoy, S.P., Stevenson, M.R., McCartt, A.T.,Woodward, M., Haworth, C., Palamara, P., & Cercarelli, R. (2005). Role of mobile phones in motor vehicle crashes resulting in hospital attendance: A case crossover study. *British Medical Journal, 331, 428–433.*
- McKenna, K. Y. A. & Bargh, J. A. (2008). Plan 9 from cyberspace: The implications of the Internet for personality and social psychology. *Personal and Social Psychology Review, 4, 57-75.*
- McKenna, K. Y. A., Green, A. S., & Gleason, M. E. J. (2002). Relationship formation on the Internet: What's the big attraction? *Journal of Social Issues, 58, 9-31.*

- Moody, E.J. (2001). 'Internet use and its relationship to loneliness' *CyberPsychology & Behavior*, 4, 393-401.
- Moser, K.S., Goetzmann, L., Vetsch, E., Grieder, E., Klaghofer, R., Naef, R., Russi, E.W., Boehler, A., & Buddeberg, C. (2007). The interplay of "Big five" personality factors and metaphorical schemas: A pilot study with 20 lung transplant recipients. *The Qualitative Report*, 12(3), 397-413.
- Nardone, G. , & Cagnoni, F. (2003). Perversiones en la red. Barcelona: RBA Libros. North Rhine-Westphalia. *Proceeding of Mobile Phone Base Station and Health*; 15-16 May; Dublin, Ireland.
- Navarro EA, Segura J, Gomez-P. C, Portoles M, Maestu C, Bardasano, J.L.(2003). About the effects of microwave exposure from cellular phone base stations: A first approach. *Proceeding of Mobile Phone Base Station and Health*; 15-16 May; Dublin, Ireland.
- Oftedal G., Wilen J., & Sandstorm M,. (2000). Symptoms experienced in connection with mobile phone use. *Occup Med*; 50(4):237-45.
- Puro, J. (2002). Finland, a mobile culture. In J.E.Katz & M. Aakhus (Eds.), *Perpetual Contact: Mobile communication, private talk and public performance* (pp. 18-29). Cambridge: Cambridge University Press.
- Redelmeier, D. A., & Tibshirani, R. J. (1997). Association between cellular telephone calls and motor vehicle collisions. *The New England Journal of Medicine*, 336, 453-463.
- Reinfurt, D., Huang, H., Feaganes, J., & Hunter, W. (2001). *Cell phone use while driving in North Carolina. The University of North Carolina Highway Safety Research Center.*
- Richard, C. M., Wright, R. D., Ee, C., Prime, S. L., Shimizu, Y., & Vavrik, J. (2002). Effect of a concurrent auditory task on visual search performance in a driving related image-flicker task. *Human Factors*, 44(1), 108-119.
- Roosli M., Moser M., Meier M., & Braun-F. C.(2003). Health symptoms associated with electromagnetic radiation – A questionnaire survey. *Proceeding of Mobile Phone Base Station and Health*; Dublin, Ireland.

- Ruiz, M. A., Pincus, A. L., & Dickinson, K. A. (2003). NEO PI-R predictors of alcohol use and alcohol-related problems. *Journal of Personality Assessment*, 81, 226-236.
- Santini R, Santini P, Danze JM, Le Ruz P, Seigne M.( 2002). Study of the health of people living in the vicinity of mobile phone base stations: I. Influences of distance and sex. *Pathol Biol*;50:369-73.
- Sanz, L. J. , Carmona, F. J. , & Marin, D. (2004). Tratamiento psicológico de la adicción a Internet: A proposito de un caso clínico. *Revista de Psiquiatra de la Facultad de Medicina de Barcelona*, 31(2), 76–85.
- Schneider, D. J., Hastorf, A. H., & Ellsworth, P. C. (1979). *Person perception*.(2nd ed.). Menlo Park, California: Addison-Wesley.
- Seo, D., & Torabi, M. (2004). The impact of in-vehicle cell-phone use on accidents or near-accidents among college students. *Journal of American College Health*, 53(3), 101-107.
- Shapira, N. A. , Goldsmith, T. D. , Keck, P. E. , Jr. , Khosla, U. M. , & McElroy, S. L. (2000). Psychiatric features of individuals with problematic Internet. *Journal of Affective Disorders*, 57(1–3), 267–272.
- Shapira, N. A. , Lessing, M. G. , Goldsmith, T. D. , Szabo, S. T. , Lazoritz, M. , Gold, M. S. et al. (2003). Problematic Internet use: Proposed classification and diagnostic criteria. *Depression and Anxiety*, 17, 207–216.
- Shepherd, R.M. & Edelman, R.J. (2005). ‘Reasons for internet use and social anxiety’ *Personality and Individual Differences*, 39, 949-958.
- Strayer, D., & Johnston, W. (2001). Driven to distraction: Dual-task studies of simulated driving and conversing on a cellular telephone. *Psychological Science*, 12(6), 462-466.
- Strayer, D.L., Drews, F.A., & Crouch, D.J. (2006). Comparing the cell phone driver and the drunk driver. *Human Factors*, 48, 381–391.
- Thurlow, C. (2003). Generation Txt? Exposing the sociolinguistics of young people’s text-messaging. *Discourse Analysis Online*.
- Toda, M., Monden, K., Kubo, K., & Morimoto, K. (2006). Mobile phone dependence and health related lifestyle of university

- students. *Social Behavior and Personality: An international journal*, 34(10), 1277-1284.
- Trimmel, M., & Poelzl, G. (2006). Impact of background noise on reaction time and brain DC potential changes of VDT-based spatial attention. *Ergonomics*, 49(2), 202-208.
- Vaticon, L. , Bayon, C. , Pascual, A. , & Garcia, E. (2001). Addiction in Internet. presentaci3n de un caso clinico. *Archivos de Psiquiatra*, 64(1), 81-90.
- Wolfradt, U. & Doll, J. (2001). 'Motives of adolescents to use the Internet as a function of personality traits, personal and social factors' *Journal of Educational Computing Research*, 24, 13-27.
- Yao-Guo, G., Lin-Yan, S. & Feng-Lin, C. (2006). 'A research on emotion and personality characteristics in junior high school students with internet addiction disorders', *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 14, 153-155.
- Ying ,Ye (2011). Psychological and Behavioral Characteristics of Severe Internet Addicts. Institute of Psychology, *Chinese Academy of Sciences*, No.4 Datun Road, Chaoyang District, Beijing, 100101, China.
- Yioultsis, T.V., Kosmanias, E.P., Kosmidou, T.T, Zigiridis, T.T., Kantartzis, N.V., & Xenos, T.D.(2002). A comparative study of the biological effects of various mobile phone and wireless LAN antennas. *IEEE Transaction on Magnetic*, 38(2):777-80.
- Young, K. (2007). Cognitive behavior therapy with Internet addicts: Treatment outcomes and implications. *Cyber psychology & Behavior*, 10(5), 671-679.

# پیش بینی نگرش به شایعه از طریق ویژگی های شخصیتی، عواطف

## مثبت و منفی و بهزیستی روانشناختی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۷/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۹/۲۵

مژگان سپاه منصور<sup>۱</sup>

علی دلاور<sup>۲</sup>

مجید صفاری نیا<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف پیش بینی نگرش به شایعه از طریق ویژگی های شخصیتی، عواطف مثبت و منفی و بهزیستی روانشناختی انجام شد. پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل تمامی کارمندان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران بود که از میان آنها ۲۰۸ نفر به شیوه نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (کاستا، مک کری، ۱۹۸۹) عاطفه مثبت و منفی (باناس، ۱۹۸۸) بهزیستی روانشناختی (ریف، ۱۹۸۹) و نگرش به شایعه (لیتمن و بزو، ۲۰۰۴) بود. داده ها از طریق همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شد. یافته ها نشان داد ویژگی های شخصیتی وظیفه شناسی و توافق پذیری ۲۰٪، عواطف منفی ۲۷٪ و هدفمندی در زندگی ۲۳٪ از واریانس نگرش به شایعه را تبیین می کنند. در مجموع نتایج پژوهش حاضر توجه به برخی از ویژگی های شخصیتی، عواطف و بهزیستی روانشناختی را در نگرش به شایعه محرز ساخت.

**کلید واژه ها:** نگرش، شایعه، ویژگی های شخصیتی، عواطف مثبت - منفی، بهزیستی روانشناختی.

۱- نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، drsepahmansour@yahoo.com

۲- دانشگاه علامه طباطبایی

۳- دانشگاه پیام نور، صندوق پستی: ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران

## **Predicting attitude towards rumor through the personality characteristics, positive–negative affect & psychological health**

**Mojgan sepahmansour**

**Ali delavar**

**Majeed saffarinia**

The aim of this research was to predict of attitude towards rumor through the personality characteristics, positive-negative affect and psychological health. Method of research was correlation and statistical population was the employees of Islamic Azad university, among them 208 employess were selected by using multistage random sampling method. The assessment tools included a Big-five-factor personality questionnaire (Costa & mccrre ,1989) , positive-negative affect (Panas, 1988), psychological health (Ryff, 1989)and attitudes toward gossip (Litman, pezzo, 2004). The data were analyzed using correlation and stepwise regression analysis.

The results showed that personality characteristics of conscientiousness and agreeableness%20,negative affect%27,and purpose in life %23, could significantly predict attitude towards rumor.

**Keywords:** attitude, rumor, personality, positive-negative affect, psychological health.



شایعه<sup>۱</sup>، یکی از پدیده‌های اجتماعی است که همواره توجه پژوهشگران و اندیشمندان به ویژه روانشناسان اجتماعی را به خود جلب کرده است. علی‌رغم تاریخ طولانی مطالعه شایعه، ساختار آن همچنان روشن نیست، پژوهش‌های اندکی درباره آن انتشار یافته است و سئوال‌های زیادی در قلمرو آن بی‌پاسخ مانده است. (دیفونزو<sup>۲</sup>، بوردیا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). لذا نیاز به انجام پژوهش‌های جامع که عوامل مهم و تأثیرگذار بر پدیده شایعه را مورد بررسی قرار دهد ضرورت دارد (گورین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳).

شایعه، خبر یا اطلاعات تأیید نشده‌ای است که در موقعیت‌هایی از ابهام، خطر یا تهدید بالقوه انتقال می‌یابد. (دیفونزو، بوردیا، ۲۰۰۷). و به طور کلی از لحاظ محتوا چهار جنبه را در برمی‌گیرد: اول آنکه شایعه یک عبارت خبری است (لیو<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱)، دوم آنکه شایعه میان مردم رد و بدل شده و اغلب دهان به دهان انتقال می‌یابد. (روزنو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱)، سوم آنکه شایعه دارای یک هدف جدی است و به موضوعات مهم مردمی می‌پردازد. (روزنو، کیمل<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰) و سرانجام آنکه شایعه خبری تأیید نشده است و براساس شواهد مدون یا قابل استنادی شکل نگرفته است (آگنس<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶).

تأثیرات شایعه بر ابعاد و حیطه‌های گوناگون نظیر اقتصاد و تجارت (دیفونزو، بوردیا، ۱۹۹۸) رفتار سازمانی، بهره‌وری و امنیت شغلی (دیفونزو، بوردیا، ۲۰۰۰)، مدیریت بحران و مواجهه با بلایای غیرقابل پیش‌بینی (مولکا- دنیلسن<sup>۹</sup>، بیک<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸) و تبیین و معنابخشی به رویدادها (شیبوتنی<sup>۱۱</sup>، ۱۹۶۶)، به اثبات رسیده است.

- 
- 1- Rumor
  - 2- Difonzo
  - 3- Bordia
  - 4- Guerin
  - 5- Lev
  - 6- Rosnow
  - 7- Kimmel
  - 8- Agnes
  - 9- Molka- Danilesen
  - 10- Beke
  - 11- Shibusani

شایعه، یک پدیده چند بعدی و انعکاسی از نگرش‌ها، عواطف، باورها و ارزش‌های فردی، اجتماعی و اخلاقی است (لیتمن<sup>۱</sup>، بزو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). عوامل موقعیتی موقعیتی و شرایط اجتماعی، یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر نگرش به شایعه است. هنگامی که در محیط ابهام زیادی وجود دارد مردم خلاقانه می‌کوشند تا به وقایع معنا بخشیده و آنها را مورد تعبیر و تفسیر قرار دهند از اینرو به هر نوع اطلاعاتی توجه نشان می‌دهند و نگرش مثبت به شایعه ایجاد می‌شود، در واقع می‌توان شایعه را نوعی حل مسئله جمعی<sup>۳</sup> دانست (زانگ زی لی، زانگ زی کیونگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش‌ها بیانگر آن است که بین مشکلات اجتماعی و اقتصادی در جوامع مانند خشونت، شورش، رشوه خواری، تهدید و ابهام با میزان فعالیت شایعه رابطه وجود دارد (فاین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵).

ویژگی‌های شخصیتی، یکی دیگر از عوامل مؤثر بر نگرش به شایعه است. پژوهش‌هایی که رابطه ویژگی‌های شخصیتی با نگرش به شایعه را مورد بررسی قرار داده‌اند به این نتیجه دست یافته‌اند که بین برون‌گرایی<sup>۶</sup> و تجربه‌پذیری<sup>۷</sup> (لیتمن، لیتمن، بزو، ۲۰۰۴، آنتونی<sup>۸</sup>، ۱۹۹۲) و اضطراب<sup>۹</sup> (کلی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۴؛ کیمل<sup>۱۱</sup>، کینفر<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۱) با نگرش و انتقال شایعه رابطه وجود دارد. فرایندهای شناختی از جمله اسناد علی<sup>۱۳</sup>، خطای تداعی<sup>۱۴</sup>، پیشگویی<sup>۱۵</sup> (اندرسون<sup>۱۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۶)، باور، حس کنترل و درک افراد از اهمیت موضوع شایعه (دیفونزو، بوردیا، ۲۰۰۷)، اغلب در شایعه نهفته است. سوگیری‌های ادراکی یا محدودیت‌های حافظه با الگوهای

- 
- 1- Litman
  - 2- Pezzo
  - 3- Collective problem-solving
  - 4- Zhangzili-zhangzi-qoing
  - 5- Fine
  - 6- Extraversion
  - 7- Openness to experience
  - 8- Anthoney
  - 9- Anxiety
  - 10- Kelley
  - 11- Kimmel
  - 12- Keefer
  - 13- Causal attribution
  - 14- Illusory association
  - 15- Prediction
  - 16- Anderson

تغییر محتوای شایعه نظیر ساده سازی، تشدید کردن، افزودن و هماهنگ کردن شایعه با ذهنیات خود رابطه دارد (روزنو، ۱۹۹۱).

هیجان<sup>۱</sup> و عاطفه<sup>۲</sup> از عوامل پیش‌بینی‌کننده نگرش به شایعه به شمار می‌آیند. موقعیت‌های ناآشنا و غیرمعمول موجب بروز هیجان و عواطف گوناگون در افراد می‌شود که بر چگونگی نگرش و واکنش به شایعات تأثیرگذار است (کلی، ۲۰۰۴). همچنین بین عواطف منفی از قبیل غم، اندوه، اضطراب، افسردگی و ناامیدی با نگرش به شایعه رابطه وجود دارد (لیتمن، پزو، ۲۰۰۴).

انگیزه‌های ارتقای خود<sup>۳</sup> و روابط بین فردی<sup>۴</sup> که از مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی<sup>۵</sup> به شمار می‌آیند از دیگر عوامل پیش‌بینی‌کننده نگرش به شایعه و انتقال آن محسوب می‌شود. افراد به دلیل نگرانی از اثرات منفی شایعات منفی تلاش می‌کنند تا شایعات مثبت را به دوستان خود انتقال دهند، اما چنانچه انتقال شایعات منفی به دوستان نزدیک موجب مقابله مؤثر آنان با وقایع شود، شایعات منفی انتقال می‌یابد (گورین، ۲۰۰۳). همچنین انگیزه ارتقای خود یا نیاز به داشتن احساس مثبت درباره‌ی خود موجب می‌شود تا افراد در برابر شایعاتی که عزت نفس آنان را تهدید می‌کند مقاومت نشان دهند، در مقابل در برابر اطلاعاتی که عزت نفس آنان را افزایش می‌دهد به راحتی متقاعد می‌شوند (کوهن<sup>۶</sup>، آردنسون<sup>۷</sup>، استیل<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰).

در جمع‌بندی پایانی از مبانی نظری و پژوهشی می‌توان گفت، نگرش به شایعه با عوامل متعددی نظیر ویژگی‌های شخصیتی، انگیزه‌های روانشناختی، عوامل شناختی و عواطف مثبت و منفی در ارتباط است. با توجه به اهمیت موضوع شایعه و عدم وجود پژوهش‌های مدون در ایران هدف این پژوهش بسط و گسترش دانش مربوط به این حوزه در ایران است.

- 
- 1- emotion
  - 2- Affect
  - 3- Interpersonal relationship- enhancement
  - 4- self- enhancement
  - 5- psychological Health
  - 6- Cohen
  - 7- Aronson
  - 8- Steele

در همین راستا این پژوهش درصدد یافتن پاسخ به این سؤالات است؛ آیا بین نگرش به شایعه با ویژگی‌های شخصیتی، عاطفه مثبت و منفی و بهزیستی روانشناختی رابطه وجود دارد؟ کدام یک از مجموعه ویژگی‌های شخصیتی، عاطفه مثبت و منفی و بهزیستی روانشناختی قادر به پیش‌بینی نگرش به شایعه است؟

## روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی<sup>۱</sup> (تحلیل رگرسیون<sup>۲</sup>) است. که طی آن ویژگی‌های شخصیت، عواطف مثبت و منفی و بهزیستی روانشناختی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و نگرش به شایعه به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است. جامعه آماری شامل تمامی کارمندان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران در سال ۱۳۹۰ بود که از بین آنها ۲۰۸ نفر به شیوه نمونه‌برداری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. این تعداد براساس پیشنهاد استیون<sup>۳</sup> (۱۹۹۶، به نقل از هومن، ۱۳۸۷) که حداقل ۱۵ نفر را برای هر متغیر پیش‌بین در تحلیل رگرسیون پیشنهاد نموده، مکفی در نظر گرفته شد. شیوه نمونه‌برداری به این ترتیب بود که ابتدا لیستی از دانشگاه‌های آزاد شهر تهران تهیه شد، سپس ۳ دانشکده در واحد تهران شمال، تهران مرکز و تهران جنوب انتخاب و لیست دانشگاه‌های موجود در هر یک از دانشگاه‌ها تهیه و به شیوه تصادفی از هر واحد دانشگاهی ۴ دانشکده انتخاب و از بین اداره‌های موجود در هر دانشکده به طور تصادفی ۲ اداره انتخاب و کارمندان آن اداره به عنوان افراد نمونه انتخاب شدند. میانگین سن افراد نمونه ۲۳ سال و میانگین سطح تحصیلات آنان لیسانس بود. متغیرهای جمعیت شناختی در جدول ۱، براساس سن، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل آزمودنی‌ها انعکاس یافته است.

## ابزار سنجش

- 
- 1- Correlation
  - 2- regression analysis
  - 3- Stevens

پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (NEO)<sup>۱</sup>؛ برای اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی از پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت فرم کوتاه که کاستا و مک کری (۱۹۸۹) با ۶۰ سؤال و مقیاس پاسخگویی پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم=۱ تا کاملاً مخالفم=۵) تهیه و ارائه کردند و پنج عامل روان رنجورخویی<sup>۲</sup> (N)، برونگرایی (E)، تجربه‌پذیری (O)، وظیفه‌شناسی<sup>۳</sup> (C) و توافق‌پذیری<sup>۴</sup> (A) را مورد سنجش قرار می‌دهد استفاده شد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های شاخص‌های فرم بلند و فرم کوتاه این پرسشنامه را به ترتیب برابر با ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۷۷، ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند (حق‌شناس، ۱۳۸۵). همچنین آلفای کرونباخ برای شاخص‌های روان رنجور خویی، برونگرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و مسئولیت‌پذیری به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۷۷، ۰/۷۳، ۰/۶۸ و ۰/۸۱ گزارش شده است (حق‌شناس، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های روان رنجور خویی، برونگرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۷، ۰/۸۰، ۰/۷۵ و ۰/۷۷ به دست آمد. یک نمونه از سئوال‌ات این پرسشنامه بدین شرح است؛ من آدم نگرانی نیستم.

**مقیاس عاطفه مثبت و منفی پاناس<sup>۵</sup>**، برای اندازه‌گیری عواطف مثبت و منفی از مقیاس عاطفه مثبت و منفی پاناس (PANAS) که توسط واتسون<sup>۶</sup>، کلارک<sup>۷</sup> و تلچن<sup>۸</sup> تهیه و ارائه شد و ۲۰ احساس (۱۰ احساس مثبت و ۱۰ احساس منفی) را در قالب کلمات مورد سنجش قرار می‌دهد و به طور کلی در یک مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم=۱ تا کاملاً مخالفم=۵) ارزیابی می‌شود، استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس برابر با ۰/۸۵ گزارش شده است و ضرایب همبستگی درونی مؤلفه‌ها و کل مقیاس شواهدی دال بر روایی سازه<sup>۹</sup> آن فراهم ساخت که این ضرایب از ۰/۷۴ تا ۰/۹۴ متغیر و تمامی آنها معنادار بود.

- 
- 1- Big five personality factor
  - 2- neuroticism
  - 3- conscientiousness
  - 4- agreeableness
  - 5- positive and negative affect (PANAS)
  - 6- watson
  - 7- clark
  - 8- Techlen
  - 9- construct validity

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۲) در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ پرسشنامه برای عاطفه مثبت ۰/۸۹ و عاطفه منفی ۰/۹۰ به دست آمد.

پرسشنامه بهزیستی روانشناختی<sup>۱</sup>، برای اندازه‌گیری بهزیستی روانشناختی از پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) با ۸۴ سؤال و مقیاس پاسخگویی شش درجه‌ای (کاملاً موافقم = ۱ تا کاملاً مخالفم = ۶) استفاده شد. از بین کل سئوالات ۴۴ سؤال به صورت مستقیم و ۴۰ سؤال به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه شش عامل ارتباط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود را مورد سنجش قرار می‌دهد. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های فوق به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۶، ۰/۷۷، گزارش شده است (فراهانی، ۱۳۸۷). یک نمونه از سئوالات پرسشنامه بدین شرح است اکثر افراد مرا شخصی دوست داشتند و مهربان می‌دانند.

پرسشنامه نگرش به شایعه<sup>۳</sup>؛ برای اندازه‌گیری نگرش به شایعه از پرسشنامه نگرش به شایعه که لیتمن و پزو (۱۹۸۷) با ۲۹ سؤال و مقیاس پاسخگویی پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم = ۱ تا کاملاً مخالفم = ۵) تهیه و ارائه کردند استفاده شد. این پرسشنامه براساس گزارش لیتمن و پزو (۱۹۸۷) از روایی سازه مطلوبی برخوردار است و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ برای آن گزارش شده است. در این پژوهش تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۴</sup> (چرخش واریماکس) روایی ساز این پرسشنامه را مستند ساخت و آلفای کرونباخ آن ۰/۷۲ به دست آمد. یک نمونه سؤال این پرسشنامه به این شرح است: مشغولیت ذهنی را به شایعه‌پردازی ترجیح می‌دهم.

**روش اجرا و تحلیل؛** پرسشنامه‌های پژوهش به صورت خود گزارش دهی در فروردین تا تیر ۱۳۹۰ و در فاصله زمانی ۴۰ تا ۵۰ دقیقه پاسخ داده شدند. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام<sup>۵</sup> با استفاده از بسته آماری برای علوم اجتماعی نسخه‌ی ۱۶ (spss16) تحلیل شدند.

---

1- psychological Health questionnaire

2- Riff

3- attitudes towards gossip

4- exploratory factor analysis

5- stepwise

6- statistical package for social science-version 16

## یافته‌ها

در جدول ۲ میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش برای نگرش به شایعه و مؤلفه‌های شخصیتی، عاطفه مثبت و منفی و مؤلفه‌های بهزیستی روان شناختی ارائه شده است. چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود نگرش به شایعه با برون گرایی، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی، عاطفه منفی، تسلط بر محیط، رشد شخصی، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود ( $P \leq 0/01$ ) و ارتباط مثبت با دیگران ( $P \leq 0/05$ ) همبستگی مثبت و معناداری دارد. اما با روان رنجورخویی و انعطاف‌پذیری، عاطفه مثبت و خودمختاری دارای رابطه معنادار نیست.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون که در جدول ۳ ارائه شده است نشان می‌دهد رگرسیون متغیر نگرش به شایعه از روی ویژگی‌های شخصیتی از لحاظ آماری معنادار است. ضرایب همبستگی در مدل ۱ بین متغیر پیش بین وظیفه‌شناسی و متغیر ملاک نگرش به شایعه  $0/35$  و در سطح ( $P < 0/01$ ) و ضرایب همبستگی در مدل ۲ بین متغیرهای پیش بین وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری و متغیر ملاک نگرش به شایعه  $0/40$  در سطح ( $P < 0/01$ ) است. با توجه به معناداری رگرسیون از شاخص ضریب شیب بتا برای تبیین سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین در واریانس متغیر نگرش به شایعه استفاده می‌شود. نتایج ضریب بتا نشان می‌دهد در مدل ۱ از میان متغیرهای لحاظ شده در این تحلیل متغیر پیش بین مسئولیت‌پذیری از ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند  $35$  درصد از واریانس نگرش به شایعه را پیش‌بینی نماید. در مدل ۲ متغیر دلپذیر بودن از ویژگی‌های شخصیتی وارد معادله می‌شود که در این مدل توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی می‌توانند  $20$  درصد از واریانس نگرش به شایعه را به طور معناداری پیش‌بینی کنند. ...

همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد، رگرسیون متغیر نگرش به شایعه از روی مقیاس عاطفه منفی از لحاظ آماری معنادار است. نتایج ضریب بتا نشان داد  $t = 4/09$ ،  $B = 0/41$ ) مقیاس عاطفه منفی می‌تواند  $27$  درصد از واریانس نگرش به شایعه را پیش‌بینی نماید.

چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود متغیر نگرش به شایعه از مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی از لحاظ آماری معنادار است. ضرایب همبستگی در مدل ۱ بین متغیر پیش‌بین هدفمندی در زندگی و متغیر ملاک نگرش به شایعه ۰/۲۳ در سطح  $p < ۰/۰۱$  است.

با توجه به معناداری رگرسیون از شاخص ضریب شیب بتا برای تبیین سهم متغیر پیش‌بین استفاده شد. با توجه به نتایج ضریب بتا ( $B = ۰/۲۹$ ،  $t = ۳/۴۱$ ) هدفمندی در زندگی از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی می‌تواند ۲۳ درصد از واریانس نگرش به شایعه را پیش‌بینی کند.

جدول ۱ - توزیع فراوانی و درصد فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس سن، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل آزمودنی‌ها

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
سن آزمودنی	پایین تر از ۲۰ سال	۱۲/۵
	۲۱-۲۵	۳۲/۷
	۲۶	
	۶۸	



۱۸/۸	۳۹	۲۶ - ۳۰	
۱۰/۱	۲۱	۳۱ - ۳۵	
۸/۷	۱۸	۳۶ - ۴۰	
۸/۲	۱۷	۴۱ - ۴۵	
۳/۸	۸	۴۶ - ۵۰	
۲/۴	۵	۵۱ - ۵۵	
۲/۹	۶	۵۶ - ۶۰	
۷/۲	۱۵	زیر دیپلم	
۳۰/۳	۶۳	دیپلم	
۱۳	۲۷	فوق دیپلم	
۳۸/۹	۸۱	لیسانس	میزان
۶/۷	۱۴	فوق لیسانس	تحصیلات
۰/۵	۱	دکتری	
۹۶/۶	۲۰۱	کل	
۳/۴	۷	بی پاسخ	
۴۷/۱	۹۸	متأهل	
۴۹	۱۰۲	مجرد	وضعیت تأهل
۹۶/۲	۲۰۰	کل	
۳/۸	۸	بی پاسخ	
نمونه کل ۲۰۸ نفر			

جدول ۲ - میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	نگرش به شایعه	نگرش به خویشی	روان رنجور	برون گرایی	تجربه پذیری	توافق پذیری	وظیفه شناسی	عاطفه بودن مثبت	عاطفه بودن منفی	ارتباط مثبت با دیگران	خودمختاری	تسلط بر محیط	رشد شخصی	زندگی	هدفمندی در	پذیرش خود
نگرش به شایعه	۷۵/۹۵	۱۲/۱۱																
روان رنجور خویشی	۳۷/۸۳	۶/۵۳	-۰/۰۱															
برون گرایی	۳۰/۷۷	۶/۱۲	۰/۲۱**															
تجربه پذیری	۳۰/۰۷	۴/۹۹	۰/۰۰۴															
توافق پذیری	۲۸/۷۵	۵/۹۰	۰/۳۲**															
وظیفه شناسی	۲۶/۵۴	۷/۹۳	۰/۳۵**															
عاطفه مثبت	۲۴/۰۳	۵/۲۰	-۰/۰۶															
عاطفه منفی	۳۱/۲۰	۸/۰۶	۰/۲۷**															
ارتباط مثبت با دیگران	۴۰/۷۱	۸/۱۷	۰/۱۵*															
خودمختاری	۴۳/۶۶	۷/۳۴	۰/۱۳															
تسلط بر محیط	۴۰/۳۵	۹/۵۴	۰/۲۲**															
رشد شخصی	۳۸/۳۷	۹/۰۵	۰/۲۱**															
هدفمندی در زندگی	۴۰/۱۲	۹/۳۹	۰/۲۳**															
پذیرش خود	۴۱/۸۵	۱۰/۰۶	۰/۱۴*															

\*\*P ≤ ۰/۰۱

\*P ≤ ۰/۰۵

جدول ۳ -  $R^2$  و آماره های تغییر در  $R^2$  و ضرایب رگرسیون هر مدل

معناداری	t	Beta	B	R	R		
۰/۰۰۰	۲۲/۳۵		۶۱/۴۶	۰/۱۲	۰/۳۵	ثبات	۱
۰/۰۰۰	۵/۵۰	۰/۳۵	۰/۵۴			وظیفه شناسی	ویژگی های شخصیتی NEO
۰/۰۰۰	۱۳/۴۱		۵۳/۲۷	۰/۱۶	۰/۴۰	ثبات	۲
۰/۰۰۰	۳/۶۷	۰/۲۶	۰/۴۰			وظیفه شناسی	
۰/۰۰۵	۲/۸۱	۰/۲۰	۰/۴۱			توافق پذیری	
۰/۰۰۰	۱۹/۴۷		۶۳/۱۱	۰/۰۷	۰/۲۷	ثبات	۱
۰/۰۰۰	۴/۰۹	۰/۲۷	۰/۴۱			عاطفه منفی	عاطفی بودن مثبت و منفی
۰/۰۰۰	۱۷/۷۳		۶۳/۹۸	۰/۰۵	۰/۲۳	ثبات	۱
۰/۰۰۱	۳/۴۱	۰/۲۳	۰/۲۹			هدفمندی در زندگی	بهبودی روان شناختی

## بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی با نگرش به شایعه همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد، همچنین ویژگی‌های شخصیتی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی قادر به پیش‌بینی نگرش به شایعه است. این یافته با نتایج پژوهش‌های لیتمن و پزو (۲۰۰۴)، آنتونی (۱۹۹۲) همسویی دارد. از لحاظ نظری دلیل این امر آن است که افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و توافق‌پذیری افراد اجتماعی، اهل گفتگو، خوشبین، معاشرت‌پذیر، کنجکاو و انعطاف‌پذیر هستند که تمایل به دریافت و تبادل اطلاعات دارند لذا تمایل و نگرش مثبت بیشتری به شایعات نشان می‌دهند. از مشخصه‌های افراد وظیفه‌شناس، دقت، باریک‌بینی و حساس بودن است که دارا بودن چنین صفاتی ممکن است افراد را به سمت توجه به شایعات و موشکافی و تحلیل اطلاعات سوق دهد.

توان پیش‌بینی عواطف منفی در نگرش به شایعه از دیگر یافته‌های این پژوهش است. این یافته با یافته‌های گزارش شده توسط کلی (۲۰۰۴)، لیتمن و پزو (۲۰۰۴)، دیفنزو، بردیا (۲۰۰۷) همخوانی دارد. بر اساس ادبیات روانشناختی موجود، یکی از مهم‌ترین عواطف منفی موثر در نگرش شایعه اضطراب و نگرانی است. افراد دارای اضطراب بالا جهت کاهش اضطراب و افزایش حس کنترل بر محیط تمایل بیشتری به پذیرش و انتقال شایعات نشان می‌دهند.

در بررسی رابطه نگرش به شایعه با ابعاد بهزیستی روانشناختی مشخص شد بین ابعاد بهزیستی روانشناختی ارتباط مثبت با دیگران، پذیرش خود، رشد شخصی، هدفمندی در زندگی و تسلط بر محیط با نگرش به شایعه رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های گورین (۲۰۰۳) و کوهن و همکاران (۲۰۰۰) همسویی دارد. از آنجایی که پذیرش و ارتقای خود یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های انسانی است هنگامی که افراد با اخبار یا شایعاتی که به هر طریق عزت نفس را در آنها ارتقا می‌بخشد مواجه می‌شوند ممکن است به راحتی متقاعد شوند و بالعکس در برابر اخباری که عزت نفس آنها را تهدید می‌کند مقاومت نشان می‌دهند.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد از بین مولفه‌های بهزیستی روانشناختی هدفمندی در زندگی توان پیش‌بینی نگرش به شایعه را دارد. در جهت تبیین این یافته

می‌توان بیان کرد همانطور که بردیا، دیفونزو (۲۰۰۷) تاکید کرده‌اند معنا بخشی به رویدادها و وقایع یکی از اهداف مهم شایعه پردازی است افراد هدفمند در زندگی که همواره برای معنابخشی به زندگی تلاش می‌نمایند به ویژه هنگام وجود ابهام و تردید ممکن است به شایعات نگرش مثبت نشان دهند.

در مجموع نتایج پژوهش حاضر توجه به برخی از ویژگی‌های شخصیتی، عواطف مثبت و منفی و بهزیستی روانشناختی را در نگرش به شایعه محرز ساخت. در زمینه‌های پیشنهادی پژوهشی می‌توان گفت ارتباط سایر متغیرهای روانشناختی با نگرش و انتقال شایعه مورد پژوهش قرار گیرد. برای افزایش قابلیت تعمیم و بررسی دوباره متغیرها، این پژوهش در شهرهای دیگر ایران نیز تکرار شود. همچنین از آنجایی که فقدان ابزار معتبر در سنجش شایعه پژوهش در این حیطه را با مشکل مواجه ساخته است توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی ساخت ابزارهای معتبر سنجش شایعه مورد توجه قرار گیرد. از لحاظ کاربردی نیز پیشنهاد می‌شود آگاه ساختن افراد جامعه در مورد فرایند شایعه به ویژه در سه مرحله تولید، ارزشیابی و انتقال و اثرات مهم اجتماعی بر افراد جامعه از سوی پژوهشگران و محققان و مسئولین ذی ربط مورد توجه بیشتری قرار گیرد. در خاتمه تفاوت‌های جنسیتی و متغیرهای جمعیت شناختی از قبیل سن، میزان تاهل و سطح تحصیلات مورد بررسی قرار نگرفته، که امید است در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- ابوالقاسمی، ف. (۱۳۸۲)، اعتباریابی و هنجاریابی مقیاس عاطفه مثبت و منفی (PANA) پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، ۷۰-۸۰.
- حق شناس، ح. (۱۳۸۵). طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت. چاپ اول، شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- مشهدی فراهانی، م. (۱۳۸۷) اثر بخشی زوج درمانی عقلانی - هیجانی - رفتاری در کاهش باورهای غیر منطقی و افزایش رضا مندی زناشویی و بهزیستی و روانشناختی. رساله دکتری روانشناسی، تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

هومن ، ح . ع . ( ۱۳۸۷ ) . مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل . چاپ اول ، تهران : انتشارات سمت .

- Agnes, M.(1996). Webster's new world dictionary and the saurus. New York: simon and Schuster.
- Anderson, C.A., Kurll,D.S., Weiner, B.(1996). Explanations: processes and consequences Social psychology : Handbook of basic principles. New York : Guilford press.
- Anthony, S.(1992) . The influence of personal characteristics on rumor knowledge and transmission among the deaf. American Annals of the Deaf, 137 , 44-47.
- Cohnen, G.L., Aronson, J., Steele, C.M.(2000). When beliefs yield to evidence: Reducing biased evaluation by affirming the self - Personality and social psychology Bulletin, 26 , 1157-1164.
- Di Fonzo,N.,Bordia ,p.(2007) .Rumor psychology. American psychological association. Washington. DC.
- Difonzo, N., Bordia , P.(2000) . How top PR professionals handle hearsay: corporate rumors, their effects and strategies to manage them. Public relations review , 26, 173-190.
- Difonzo, N., Bordia, P.(1998) . A tale of two corporations: Managing uncertainty during organizational chang. Human resource management , 37 , 295-303.
- Fine, G.A Heath , C.,Campion – Vincent, V.(Eds).(2005). Rumor mills: the social mipact of rumor and legand. Chicago: Aldine.
- Guerin, B.(2003). Language use as a social strategy: Areview and an analytic framework for the social science. Review of General psychology. 7.251-298.
- Kelley, S.R.(2004) . Rumors in Iraq. Unpublished master's thesis . Naval postgraduate school , Monterey. CA. Retrieved November 16 , 2004 , form <http://theses.nps.navy.mil>.
- Kimmel, A.J., Keefer, R.(1991). Psychological correlates of the transmission and acceptance of rumors about AIDS. Journal of Applied social psychology, 21 , 1608-1628.
- Lev,M.(1991).Carter stock drops again on rumors. The New York Times, p.D 4.
- Litman, J.A, Pezzo , M.V.(2005). Individual differences in attitudes towards gossip. Journal of personality and individual differences , 38, 963- 980.

- Molka- Danielsen , J.,Beke,T.(2008). Rumors interplay in disaster management . international Journal of Risk Assessment and management , 9 ,334-350.
- Rosnow , R.L(2001). Rumor and gossip in interpersonal interaction and beyond: A social exchange perspective. Washington .DC :American psychological association.
- Rosnow, R.L.(1997). Inside rumor : A personal Journey. American psychologist , 46,484-496.
- Rosnow,R.L., Kimmel, A.J. (2000). Rumor . New York : Oxford university press and American psychological Association.
- Shibutani, T.(1966). Improvised news. A sociological study of rumor. Indianapolis , IN:Bobbs. Merrill.
- Zhang,Zi. Li., Zhang, Zi. Qiong. (2009). An interplay model for rumour spreading and emergency development. Journal of physica A, 38 , 4159-4166.

## اثر بخشی برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میزان رفتارهای قربانی کودکان پسر مقطع ابتدایی شهر اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۷/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۹/۲۰

منصوره مقتدایی<sup>۱</sup>

شعله امیری<sup>۲</sup>

حسین مولوی<sup>۳</sup>

نسیم استکی آزاد<sup>۴</sup>

### چکیده

**مقدمه:** پژوهش با هدف بررسی اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میزان رفتارهای قربانی کودکان پسر مقطع ابتدایی (مقاطع دوم و چهارم ابتدایی) شهر اصفهان صورت پذیرفته است.

**روش:** آزمودنی‌های این پژوهش شامل ۴۰ دانش آموز قربانی بود که براساس نمونه گیری چند مرحله ای، انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل ۲۰ نفری جایگزین شدند. مداخله آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر روی گروه آزمایش اجرا شد. در پس آزمون و پیگیری مقیاس سنجش روابط همگنان (ریجی و اسلی) بر دو گروه کنترل و آزمایش مجدداً اجرا شد.

**نتایج:** یافته‌های تحلیل کوواریانس داده‌ها نشان داد که برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی منجر به کاهش میزان رفتارهای قربانی و رفتارهای زورگویی کودکان قربانی شد.

۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روان شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص دانشگاه اصفهان

پست الکترونیکی: m.m1430@yahoo.com

۲- دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه اصفهان

۳- استاد گروه روان شناسی دانشگاه اصفهان

۴- کارشناس ارشد روان شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص دانشگاه اصفهان



نتیجه‌گیری: بنابراین نتایج بیانگر این است که آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند باعث بهبود روابط این کودکان با گروه همگنان خویش شود.  
کلیدواژه‌ها: برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی، روابط با همگنان، رفتارهای قربانی، رفتارهای زورگویی

## **Effectiveness Training program based on Social Skills on the Rate of Reduction Victim Behaviors of Primary boys School Students in Isfahan City**

**Mansore Moghtadaei**  
**Shole Amiri**  
**Hossein Molavi**  
**Nasim Esteki Azad**

### **Abstract**

**Objective:** The present study was the effectiveness training program based on social skills on the rate of victim behaviors of primary boy's school students in Isfahan city.

**Method:** based on multi-stage sampling of four Primary boys schools in Isfahan randomly selected and from among the second and fourth grades, 40 students victim Through Sociometry & Peer relationship questionnaire selected and assigned in control and experimental groups. Intervention based on Social skills was performed on the experimental group. In the Post-test and follow-up Peer relationship questionnaire were performed on two groups.

**Results:** Covariance analysis of data showed that Training program based on Social Skills leading to reduction of the victim, bullying behaviors of victim children was.

**Conclusions:** The results indicate that social skills training can improve peer relationship in children.

**Keywords:** Training program based on Social Skills, Peer Relationship, Victim and Bulling Behaviors

روابط با همگنان<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رشد اجتماعی کودکان است (رایس<sup>۲</sup>، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). روابط با همگنان، به روابطی اشاره دارد که بین افراد همگن، یعنی افرادی که از لحاظ مهارت، سطح آموزشی و یا موقعیتی برابر باشند، شکل می‌گیرد (پورافکاری، ۱۳۸۴) که لزوماً هم سن و سال نیستند (رودل<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵؛ به نقل از لی گزند<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). روابط با همگنان، مانند روابط با والدین، خواهر، برادر و سایر اعضای خانواده، نقش قاطعی در رشد کودکان خردسال ایفا می‌کند (هارتاپ<sup>۵</sup>، ۱۹۸۳؛ به نقل از کمبل<sup>۶</sup>، ترجمه صیادللو، ۱۳۸۷). با آنکه روابط اجتماعی اولیه در خانواده شکل می‌گیرند، اما با بزرگتر شدن کودکان و ورود به دوره کودکی اولیه و پیش دبستانی، آنها زمان بیشتری را با همگنان خود سپری می‌کنند (کمبل، ترجمه صیادللو، ۱۳۸۷). لذا کودکان به شدت متأثر از کارهایی هستند که توسط کودکان همگنانشان صورت می‌گیرد (فونتانا<sup>۷</sup>، ترجمه ابراهیمی قوام، ۱۳۸۵). ویژگی‌های جهانی مانند مهربانی و اجتماعی بودن همواره با پذیرفته شدن از طرف همگنان پیوند داشته است (سالمیوالی و پیتز<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹). وجود گروه همگنان برای کودک، به عنوان یک عامل اجتماعی شدن، برای تحول هویت و ارزشها از اهمیت خاصی برخوردار است. در طی دهه گذشته این فرض مطرح شده است که کودکانی که مورد پذیرش یا علاقه همگنان خود نیستند در معرض خطرند. در واقع پژوهش‌های متعددی تأثیر روابط نابهنجار با همگنان را در تحول بعدی فرد مورد توجه قرار داده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که روابط ضعیف با همگنان در دوره کودکی با تحول بعدی رفتارهای سازش‌نا یافته مرتبط است. به طوری که می‌توان مشکلات سازشی حال و آینده را براساس این روابط ارزیابی کرد (امیری، ۱۳۸۳). از دیدگاه بسیاری از محققان، برخی از کودکان که قادر به بدست آوردن پذیرش همگنان خود نیستند فاقد مهارت‌های اجتماعی

---

1 -Peer relationship

2- Rice

3- Roedell

4- LeGrand

5- Hartup

6- Campbell

7- Funtana

8- Salmivalli & Peets

هستند (آشر، ادن و گاتمن<sup>۱</sup>، ۱۹۷۷؛ کامیز و اسلیبی<sup>۲</sup>، ۱۹۷۷؛ به نقل از امیری، ۱۳۸۶).  
 برایان، سایلسن و ویسینک<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) نشان دادند که کودکان فاقد مهارت‌های اجتماعی  
 بیشتر امکان طرد شدن از جانب همگنان خود را دارند. در واقع به ندرت از جانب  
 همگنان خود هنگام بازی انتخاب می‌شوند و از جانب همگنان خود در سطح پایینی از  
 طبقه اجتماعی قرار می‌گیرند. براساس قدرت پیش بینی روابط با همگنان، به نظر می‌رسد  
 در بخشی از سیستم اجتماعی مانند مدرسه در صورت وجود مشکلات اجتماعی در  
 کودک، مهارت‌های اجتماعی ضعیف نیز به صورت استراتژی در کودک شکل می‌گیرد. در  
 اوایل کودکی در سنین پیش دبستانی در صورتی که کودک با همگنان خود ارتباط برقرار  
 کند به مرور زمان، این رابطه به رابطه دوستی تبدیل می‌شود، در غیر این صورت فقدان  
 مهارت‌های اجتماعی منجر به یک رابطه نامطلوب با همگنان خود همچون طردشدگی و  
 قربانی می‌شود (مایز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). با در نظر گرفتن این ذهنیت، آموزش رسمی مهارت‌های  
 اجتماعی به همه کودکان و به طور خاص به کودکان ناتوان در رفتارهای اجتماعی بسیار  
 حیاتی است (داوا<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). نقش قربانی یکی از تبلورهای روابط نامطلوب است که در  
 نقش‌هایی که کودکان با توجه به موقعیت اجتماعی و مسائل شخصی خود بر می‌گزینند،  
 مشاهده می‌شود. قربانی شدن<sup>۶</sup> به این شکل تعریف می‌شود: "رفتارهایی که بعضی از  
 کودکان از هدف قرار گرفتن رفتارهای پرخاشگرانه دیگر کودکان، که لزوماً هم سن و سال  
 نیستند، تجربه می‌کنند" (فکس و بالتون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). نقش قربانی در مقابل نقش زورگویی  
 پدیدار می‌شود. زورگویی موجب می‌شود تا آنان احساس تنهایی بیشتری کنند و ممکن  
 است شروع این احساس موجب شود آنان خود را مستحق آزار دیدن و مسخره کردن  
 بدانند، که این امر موجب یک خودپنداره ضعیف در آنان می‌شود. از لحاظ جسمانی اکثر  
 قربانیان، کوچکتر از زورگوها هستند و معمولاً توانایی کمتری در مراقبت از خود از لحاظ  
 جسمانی و کلامی دارند. قربانیان معمولاً مضطرب، ناامن و محتاط هستند و به طور مداوم

- 
- 1- Asher, Oden & Gottman
  - 2- Combs & Slaby
  - 3- Bruyan, Cillessen & Wissink
  - 4 -Mize
  - 5- Dava
  - 6- Vicimitization
  - 7- Fox & Baulton

از عزت نفس پایینی رنج می‌برند (بنکس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). این دانش‌آموزان به ندرت از خود در برابر کودکانی که زورگویی نشان می‌دهند دفاع یا مقابله به مثل می‌کنند. بسیاری از قربانیان فاقد مهارت‌های اجتماعی هستند. در نتیجه، از لحاظ اجتماعی از همگنان خود جدا می‌شوند (سالمون، جیمز، کاسیدی و جاولویس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). در واقع باید بین دو نقش مهم در مقابل زورگویی تمایز قائل شد: "نقش قربانی"<sup>۳</sup> برای کودکی است که زورگویی را برای یک یا چندین بار در هفته که حداقل در طول سه ماه تداوم داشته است، متحمل می‌شود. "نقش زورگویی"<sup>۴</sup> را نیز فردی بازی می‌کند که یک یا چند بار در طول هفته به مدت سه ماه، همگنان خود را مورد زورگویی قرار داده است. اما دسته دیگر افرادی هستند که با هر دو توصیف مطابقت دارند و "نقش قربانی/ زورگویی"<sup>۵</sup> را بازی می‌کنند. این نقش، از نقش قربانی منتج می‌شود که به دو شکل قربانی منفعل<sup>۶</sup> و قربانی فعال<sup>۷</sup> (که در مقابل زورگویی افراد زورگو، رفتار پرخاشگری را از خود بروز می‌دهد و مقابله به مثل می‌کند)، از هم متمایز شده است (شوارتز، داج و کوی<sup>۸</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از شافر، کرن، بردبک، وولک و چالز<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). افراد در نقش قربانی/ زورگویی بیشتر از دو نقش دیگر افسردگی و میزان بالای بروز علائم فیزیکی ناشی از اضطراب را نشان می‌دهند (جنورجیو و استاورینیدیس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش‌های بین‌المللی در بین تمام کشورها نشان می‌دهد که ۸ تا ۴۶ درصد کودکان، در مقابل زورگویان، قربانی هستند (وودز، داون و کالسی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹). همزمان با افزایش شناخت و آگاهی از اثرات قربانی و تبعات ناشی از آن، بسیاری از مدارس و آموزشگاه‌ها درصدد فعالیت‌های درمانی و پیش‌گیرانه برای کاهش این رفتارها و اثرات آن هستند، مبنی بر این که آنها متحمل مشکلات زیادی (اعم از اعتماد به نفس پایین، عدم پیشرفت تحصیلی، احساس تنهایی زیاد، اضطراب، افسردگی، بیماری‌های

1 - Banks

2- Salmon, James, Casidy & Javoloyes

3- Victim role

4- Bully role

5- Victim- Bully role

6- Passive Victim

7- Active Victim

8- Schwarz, Dodge & Coie

9- Schäfer, Korn, Brodbeck, Wolk & Schalz

10- Georgiou & Stavrinides

11- Woods, Done & Kalsi

روانی و نظایر این موارد) در دوران مدرسه و سال‌های آتی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی می‌شوند؛ و همچنین محققین دریافته‌اند که آزار دیدن کودکان توسط همگنانشان نتایج بلند مدت و کوتاه مدت جدی شامل افسردگی، عصبی شدن، اختلال در عزت نفس، تنهایی، ازدست دادن سلامتی، غیبت در مدرسه و مشکلات روابط در نوجوانی را به دنبال دارد (فکس و بالتون، ۲۰۰۶). ایگان و پری<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) دریافته‌اند که کودکان با عزت نفس پایین بیشتر در خطر قربانی شدن هستند و این افزایش منجر به پایین آمدن عزت نفس در سال‌های مدرسه می‌شود. الویز<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) براساس پژوهش بر روی کودکان قربانی و زورگو اظهار کرد که کودکان قربانی نسبت به کودکان زورگو بیشتر تمایل به داشتن رابطه‌ای نزدیک با والدینشان مخصوصاً مادر (بیشتر در کودکان قربانی فعال) دارند. پژوهش‌هایی انجام شده‌اند که بیان می‌کنند امکان درمان این کودکان وجود دارد از جمله: در استرالیا، مک فادن<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) به آموزش مهارت‌های جرأت‌ورزی قربانیان در مدرسه پرداخت و پس از تحلیل داده‌ها ملاحظه کرد که آموزش مهارت‌های جرأت‌ورزی منجر به کاهش رفتارهای قربانی در کودکان قربانی شد (رانا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). ریجبی و اسلی<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) با استفاده از راهبردهای مداخله‌ای الویز دریافته‌اند که تقریباً ۵۰٪ از قربانیان، پیشرفت چشم‌گیری در ارتباط بین فردی داشتند. وونگ<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) با استفاده از آموزش مهارت‌های اجتماعی بر روی کودکان قربانی و زورگو در مدرسه دریافت که از موثرترین استراتژی‌های کاهش رفتارهای قربانی و زورگویی آموزش مهارت‌های اجتماعی و روابط مناسب با والدین و همگنان است. نتایج پژوهش فکس و بالتون (۲۰۰۶) به منظور بررسی عامل دوستی به عنوان واسطه‌ای بین مشکلات اجتماعی و قربانی همگنان، در ۴۹۹ کودک ۹-۱۱ ساله نشان داد که فاکتورهای فردی مثل مشکلات درونی و عوامل اجتماعی مثل دوستیابی (تعداد دوستان و پذیرش کودک محبوب کلاس) در قربانی شدن همگن نقش دارد. فکس و بالتون همچنین دریافتند که کیفیت و چگونگی دوستی با همگنان، نقش مهم

---

1- Egan & Perry

2 -Olweus

3- MacFadden

4 -Rana

5- Rigby & Slee

6- Wong

تری در طرد و پذیرش از جانب گروه همگنان و یا ارزیابی میزان قربانی شدن در مقابل همگنان دارد. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها، حاکی از آن بود که آموزش مهارت‌های اجتماعی شیوه‌ای موثر در افزایش عملکرد اجتماعی در کودکان قربانی دارد و باعث بهبود روابط با همگنان در این کودکان می‌گردد. ریموند<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) نیز برنامه آموزشی الویز را در طول سال تحصیلی دو مدرسه دبیرستانی در میدوسترن<sup>۲</sup>، به اجرا گذاشت و ۶۹۹ دانش‌آموز این مدارس، در ابتدا و پایان سال تحصیلی مقیاس قربانی/زورگویی الویز را پر کردند. نتایج تحلیل واریانس (مانکوا) نشان داد که بین دو گروه آزمایش و کنترل هم در قربانیان و هم زورگویان، تفاوت معنی داری بین میانگین‌ها وجود دارد و در نتیجه برنامه آموزشی الویز، یک برنامه مفید و موثر برای کاهش دادن میزان رفتارهای قربانی و زورگویی بود و به ایجاد محیطی امن و افزایش رفتارهای پسندیده اجتماعی در مدارس، کمک کرد (استکی، امیری و مولوی، ۱۳۹۰). همچنین، میشل، مونیکا، فیتز و پاتریک<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) بیان کردند که زورگویی منجر به مشکلات سلامت روانی در کودکان، قربانی شدن آنها و ایجاد رفتارهایی همچون اضطراب، تنش، عزت نفس پایین و مشکلات روانی-جسمانی می‌شود. بازنگری یافته‌ها نشان می‌دهد این کودکان قربانی فاقد مهارت‌های اجتماعی هستند که منجر به عزت نفس پایین و رفتارهای قربانی در مقابل همگنان خویش شده است که می‌توان با برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی، برای آنها فرصت‌هایی برای ایجاد ارتباط مطلوب با همگنان خود فراهم کرد. در این پژوهش تمرکز اصلی آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی برگرفته از برنامه آموزشی مهارت‌های اجتماعی دیدگاه‌های فرانکل و میات<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، کارتلج و میلبرن (ترجمه نظری نژاد، ۱۳۷۲) و راهنمای آموزشی سازمان بهزیستی کشور از (فتحعلی لواسانی، ۱۳۸۰)، برای کاهش رفتارهای قربانی از خلال مهارت‌های اجتماعی در کودکانی است که نقش قربانی را در مقابل همگنان خود دارند. از آنجا که در پژوهش‌های داخل کشور، به این موضوع به صورت آکادمیک و علمی، بسیار کم پرداخته شده است، بنابراین بر مبنای

- 
- 1- Rimond
  - 2- Midwestern
  - 3- Michael, Montica & Fitz, Kil Patrick
  - 4- Frankel, Miate

پژوهش‌ها و بررسی‌های نظری، بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان قربانی موضوع مورد نظر این پژوهش است.

### روش

طرح پژوهش حاضر، از نوع تجربی همراه با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر قربانی مقطع ابتدائی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸، بوده است. نمونه پژوهش شامل ۴۰ دانش‌آموز پسر بود که بیشترین نمره را در زیرمقیاس قربانی کسب کردند و به شیوه نمونه گیری تصادفی سه مرحله ای انتخاب شدند و سپس به طور تصادفی در دو گروه ۲۰ نفری تقسیم و در گروه‌های آزمایشی و کنترل جایگزین شدند. پس از جلب رضایت والدین، مداخله‌ی آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر روی گروه آزمایش اجرا شد. بعد از پایان جلسات آموزشی بر روی گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون، مقیاس سنجش روابط همگنان اجرا شد. سپس برای بررسی تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته در مرحله پیگیری، پس از شش ماه از جلسات آموزشی و پس‌آزمون بر روی دو گروه کنترل و آزمایش مقیاس سنجش روابط همگنان ریجیبی و اسلی اجرا شد.

**ابزار پژوهش:** در این پژوهش از روش جامعه‌سنجی و پرسشنامه سنجش روابط همگنان کودکان استفاده شد.

**روش جامعه‌سنجی:** در بررسی جامعه‌سنجی از کودکان حاضر در یک کلاس براساس ملاک‌های تشخیصی قربانی خواسته شد، همکلاسی‌هایشان را درجه بندی نمایند. محققان اغلب از کودکان سوال می‌کنند که منزلت اجتماعی همگنان خود را گزارش دهند (کی و دادج، پالاتز و واسرمن، ۱۹۸۹؛ به نقل از امیری، ۱۳۸۲). روش جامعه‌سنجی پژوهش حاضر واسرمن (۱۹۸۹)، به نقل از امیری، (۱۳۸۲) است که از کودکان خواسته می‌شود که از بین همکلاسی‌های خود سه کودک که دارای ویژگی‌های قربانی هستند را مشخص نمایند؛ سپس پاسخ‌های کودکان استخراج می‌گردد و در نهایت کودکانی که بیشترین انتخاب را در بین همگنان به عنوان قربانی داشته‌اند، به عنوان قربانی، مشخص می‌گردند.

**پرسشنامه سنجش روابط با همگنان کودکان:** این پرسشنامه در سال ۱۹۹۳ توسط ریجی و اسلی به منظور بررسی روابط با همگنان کودکان مقطع ابتدایی تهیه و تنظیم شده است. یک پرسشنامه خودگزارش دهی است که توسط کودک تکمیل می‌گردد، این پرسشنامه مشتمل بر ۲۰ سؤال است و در یک مقیاس لیکرتی از ۱ به ۵ نمره گذاری می‌شود. این مقیاس برای نخستین بار توسط طبائیان و امیری (۱۳۸۷) ترجمه و هنجاریابی شده است. برای این مقیاس دو زیر مقیاس منظور گردیده که عبارتند از: زیرمقیاس قربانی با ضریب آلفای ۰/۷۰، زیرمقیاس زورگویی با ضریب آلفای ۰/۷۳.

**یافته ها:**

جداول (۱) و (۲)، میانگین و انحراف معیار گروههای آزمایش و کنترل را در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در زیرمقیاسهای قربانی (V) و زورگویی (B) نشان می‌دهد.

**جدول ۱- میانگین و انحراف معیار گروه‌های آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری زیرمقیاس قربانی (V)**

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
آزمایشی	۲۳/۷	۳/۸۵	۸/۸۵	۲/۲۰	۷/۷۰
کنترل	۲۳/۱۵	۳/۸۷	۲۳/۴۵	۳/۶۴	۳/۱۰

**جدول ۲- میانگین و انحراف معیار گروه‌های آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری زیرمقیاس زورگویی (B)**

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
آزمایشی	۱۲/۶۵	۳/۹۱	۷/۱۵	۱/۱۸	۶/۵۵
کنترل	۱۱/۵۰	۳/۲۶	۱۰/۶۵	۲/۷۳	۹/۷۰



همانطور که در جداول ۱ و ۲ مشاهده می‌شود، میانگین گروه‌های آزمایش پس از اعمال متغیر مستقل (مداخلات آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی)، در زیرمقیاس‌های قربانی (V) و زورگویی (B) کاهش یافته است که نشان دهنده موثر بودن این مداخلات آموزشی است.

جهت مقایسه میانگین‌های نمرات پس از آزمون و پیگیری زیرمقیاس قربانی گروه‌ها پس از کنترل پیش از آزمون از تحلیل مانکوا استفاده شده که خلاصه نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج تحلیل مانکوا مقایسه میانگین‌های نمرات پس از آزمون و پیگیری زیرمقیاس قربانی گروه‌ها پس از کنترل پیش از آزمون

متغیر	لامبدا و یلکز	F	درجه آزادی	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری
پیش آزمون	۰/۴۲	۲۴/۶۳	۲	۰/۰۰۰۱	۰/۵۷	۱
عضویت- گروهی	۰/۰۵	۲۹۸/۰۴	۲	۰/۰۰۰۱	۰/۹۴	۱

(قربانی) (V)

چنانچه در جدول (۳) مشاهده می‌شود تأثیر برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی در مجموع بر میانگین‌های پس از آزمون و پیگیری نمرات قربانی معنادار است ( $P < 0/0001$ ). یعنی تفاوت بین نمرات قربانی به طور کلی در دو مرحله پس از آزمون و پیگیری معنادار است. نتایج جدول حاکی از آن است که میزان تأثیر آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی و تفاوتها، ۰/۹۴ بوده است و این بدان معناست که ۹۴ درصد واریانس نمرات پس از آزمون و پیگیری زیرمقیاس قربانی مربوط به عضویت گروهی بوده است. توان آماری ۱ و سطح احتمال نزدیک به صفر، دلالت بر کفایت حجم نمونه می‌باشد.

جهت مقایسه میانگین‌های نمرات پس آزمون و پیگیری زیرمقیاس زورگویی گروه‌ها پس از کنترل پیش آزمون از تحلیل مانکوا استفاده شد که خلاصه آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل مانکوا مقایسه میانگین‌های نمرات پس آزمون و پیگیری زیرمقیاس زورگویی گروه‌ها پس از کنترل پیش آزمون

متغیر	لامبدا و پلکز	F	درجه آزادی	سطح معناداری	اندازه اثر آماری	توان
پیش آزمون	۰/۷۲	۶/۶۹	۲	۰/۰۰۳	۰/۲۷	۰/۸۹
عضویت گروهی (زورگویی) (B)	۰/۳۶	۳۱/۴۶	۲	۰/۰۰۰۱	۰/۶۳	۱

چنانچه در جدول (۴) مشاهده می‌شود تأثیر برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی در مجموع بر میانگین‌های پس آزمون و پیگیری نمرات زورگویی معنادار است ( $P < 0/0001$ ). یعنی تفاوت بین نمرات زورگویی به طور کلی در دو مرحله پس آزمون و پیگیری معنادار است. نتایج جدول حاکی از آن است که میزان تأثیر آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی و تفاوت‌ها، ۰/۶۳ بوده است و این بدان معناست که ۶۳ درصد واریانس نمرات پس آزمون و پیگیری زیرمقیاس زورگویی مربوط به عضویت گروهی بوده است. توان آماری ۱ و سطح احتمال نزدیک به صفر، دلالت بر کفایت حجم نمونه می‌باشد.

#### بحث

همان طور که اشاره شد، هدف کلی از انجام این پژوهش، تعیین میزان تأثیر مداخله‌ی برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میزان رفتارهای کودکان قربانی پسر مقطع ابتدایی شهر اصفهان بود. نتایج این پژوهش نشان داد که رفتارهای کودکان قربانی قابل بهبود است و گروه آزمایش در نمرات پس آزمون، تفاوت معناداری را با گروه کنترل نشان دادند که در ادامه به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت میانگین دو گروه آزمایش و کنترل از لحاظ آماری معنادار است و می‌توان این تفاوت

معنادار را به مداخله آموزشی نسبت داد. بدین ترتیب آنچه از یافته‌های این پژوهش برمی‌آید حاکی از اثربخشی مداخله برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میزان رفتارهای قربانی کودکان قربانی است. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های حاصل از پژوهش وونگ (۲۰۰۴) همخوانی دارد. نتایج وی بیانگر این امر بودند که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر روی کودکان قربانی و زورگو در مدرسه از موثرترین استراتژی‌های کاهش رفتارهای قربانی و زورگویی و روابط مناسب با والدین و همگنان است. همچنین این یافته‌ها با یافته‌های فکس و بالتون (۲۰۰۶) و یافته‌های معرفی شده حاصل از به کارگیری برنامه آموزشی مهارت‌های اجتماعی، در خصوص اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر کاهش اثرات منفی و مشکلات ناشی از قربانی شدن در کودکان قربانی همسو است. یافته‌های حاصل از این پژوهش‌ها گویای اثربخشی برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی و نیز دیگر برنامه‌های مداخله‌ای در میان کودکان قربانی است. در تبیین نتیجه این فرض می‌توان اظهار داشت با توجه به تحقیقات و یافته‌های ذکر شده، درمورد دلایل احتمالی تأثیر برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی، می‌توان گفت ایجاد فرصتی برای کودکان قربانی است که مهارت‌های مهم و اساسی روابط همگنان را بیاموزند و نسبت به رفتار خویش کنترل پیدا کنند. به همین علت، نمونه انتخابی این پژوهش از مقطع دبستان بود تا بتوان از این فرصت طلایی سالهای ابتدایی تحول شناختی استفاده بهینه نمود و تا این رفتارهای آزاردهنده در کودک نهادینه نشده است و به اختلالات رفتاری منجر نشده است، از میزان بروز آن کاست. همچنین، نمونه انتخابی از پایه‌های دوم و چهارم بودند و اجرای برنامه در قالب گروه متشکل از دو رده سنی، این امکان را فراهم می‌آورد تا کودکان قربانی انگیزه بیشتری برای تغییر داشته باشند و هنگامی که یک کودک به ایفای نقش می‌پردازد، برای سایر کودکان این فرصت اتفاق می‌افتد که در یک محیط بی‌دغدغه و به دور از شرایط حاکم در یک رابطه بین دو نفر، نظاره گر رفتار همگنشان باشند و بتوانند از او الگوگیری کنند. همچنین، فرصت فکر کردن راجع به احساسات مختلف و چرایی رفتارهای خود و آشنایی با هیجانات مختلف و آموزش مهارت‌های مختلف ارتباطی را پیدا می‌کنند. همچنین، در این برنامه، تنوع و جذاب بودن فعالیت‌ها موجب ایجاد انگیزه بیشتر برای مشارکت در

جلسات آموزشی و مبین تأثیرات آن بود. بعلاوه، بین روابط کودک و مهارت‌های اجتماعی او، الگویی چرخه‌ای، از تأثیرات وجود دارد. به طور مثال فقر مهارت‌های اجتماعی و در نتیجه پایین بودن عزت نفس منجر به طرد همگنان می‌شود و این موضوع به نوبه خود منجر به تلاش‌های بی‌هوده کودک طرد شده برای دستیابی به پذیرش و منزلت اجتماعی می‌شود و این تلاش‌ها خود باعث طرد بیشتر می‌شوند. به علاوه طرد پیوسته همگنان، احتمالاً بر روی عزت نفس کودک و انتظار دیگران تأثیر می‌گذارد، و این‌ها به نوبه خود می‌تواند باعث تشدید مشکلات اجتماعی و ایجاد مشکلاتی در زمینه‌های دیگر شود. بنابراین، برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی با ارائه تکنیک‌هایی از جمله مهارت‌های ارتباطی، شناخت هیجانات و حل مسئله سبب احساس ارزشمندی و پذیرش از جانب همگنان می‌گردد و بدین شکل میزان رفتارهای قربانی، آزاردهنده و ناپسندیده کاهش می‌یابد. برای تبیین بهبود رفتارهای قربانی در مرحله پیگیری، می‌توان به افزایش میزان تأثیر از مرحله پس‌آزمون به مرحله پیگیری، اشاره کرد که احتمالاً به این دلیل است که منزلت اجتماعی و روابط همگنان، بسیار به زمان بستگی دارد، به این صورت که هنگامی که اقدام مداخله‌ای و آموزشی صورت می‌گیرد، تأثیر آن را باید طی گذشت زمان اندازه‌گیری کرد، زیرا تغییر در شناخت کودک و همچنین نگرش همگنان نسبت به یکدیگر در طول زمان میسر است و در لحظه اتفاق نخواهد افتاد. نتایج تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد که برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میانگین‌های نمرات پس‌آزمون و پیگیری رفتارهای زورگویی کودکان قربانی معنادار بوده است. بنابراین، برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کاهش رفتارهای زورگویی کودکان قربانی نیز موثر است. اما از میزان تأثیر برنامه نامبرده در کاهش نمرات قربانی کمتر است که در تبیین این نکته می‌توان گفت که برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی در این پژوهش بر کاهش رفتارهای قربانی تمرکز دارد و برای رفتارهای زورگویی اثر واسطه‌ای دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت همانطور که اشاره شد برنامه‌ی آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر آن بود تا از میزان رفتارهای قربانی بکاهد. اغلب کودکان قربانی، نقش زورگویی نیز داشتند. برای روابط پسندیده با همگنان و تعاملات موفق، ضروری است که کودک قربانی نه تنها از رفتارهای طرد شده خود دوری کند، بلکه برای جلوگیری از

زورگو شدن خود در مقابل دیگر همگنان نیز مهارت‌های اجتماعی را فرا گیرد تا بتواند منزلت اجتماعی خوبی را برای خود در بین همگنان خویش به دست آورد. در این برنامه با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان آموزش داده شد که چگونه در مقابل دیگر همگنان خود رفتار کنند و رفتار آزاردهنده خود و یا پرخاشگری خود را کنترل کنند. همچنین تأثیر برنامه نامبرده بر رفتارهای زورگویی کودکان قربانی در مرحله پیگیری، نشان‌دهنده ثبات نتایج کسب شده پس از گذشت شش ماه از اجرای پس‌آزمون و قابلیت اعتبار و تعمیم‌پذیری نتایج این پژوهش و میزان اثر بخشی برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی است. بنابراین، هدف برنامه آموزشی، ایجاد مهارت‌هایی در کودکان برای داشتن رابطه ای مطلوب با همگنان خود می باشد. از طریق رشد یا گسترش مهارت‌های اجتماعی در این کودکان قربانی می‌توان به ارتقاء توانایی‌های بین فردی کودک و حفظ روابط سالم با همسالان خود در زمان حال و آینده کمک کرد و همچنین موجب بهبود مهارت‌های کنترل هیجان، افزایش اعتماد به نفس آنها، کاهش استرس و تعدیل رفتارهای منفی کودک مثل رفتارهای قربانی شد. از محدودیت‌های پژوهش، عدم تعمیم نتایج بر جامعه دختران و مقاطع تحصیلی به استثنا پایه های دوم و چهارم می‌باشد. با توجه به تأثیر برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر کاهش میزان رفتارهای قربانی و زورگویی پیشنهاد می‌شود که این مدل در برنامه‌های آموزشی آموزش ضمن خدمت مشاوران مدارس و معلمان استفاده شود تا بتوانند از آن برای دانش‌آموزان خود بهره‌مند گردند. آموزش این برنامه به مشاوران و روانشناسان بالینی جهت استفاده از آن در کلینیک نیز توصیه می‌گردد.

## منابع

- امیری، شعله. (۱۳۸۲). بررسی تحولی رابطه‌ی منزلت اجتماعی با رفتار سازشی، مهارت اجتماعی و اختلال رفتار مهار یافته. *مجله علوم روانشناختی*. شماره ۶، ص ۱۵۹-۱۹۳.
- امیری، شعله. (۱۳۸۳). بررسی تحولی اختلال تضادورزی در گروه های مختلف منزلت اجتماعی. *فصلنامه‌ی روان شناسی ایرانی*. سال اول، شماره ۱، ۴۵-۵۲.

- امیری، شعله. (۱۳۸۶). بررسی مهارت های اجتماعی در چهار گروه منزلت اجتماعی. *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*. جلد ۲۵، شماره ۴، ۱۰۳-۱۲۰.
- استکی آزاد، نسیم؛ امیری، شعله و مولوی، حسین. (۱۳۹۰). *اثربخشی برنامه‌ی آموزش کاهش زورگویی در میزان رفتارهای زورگویی کودکان پسر پایه‌های دوم و چهارم مقطع ابتدایی شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- پورافکاری، نصرت الله. (۱۳۸۴). *فرهنگ جامع روان‌شناسی و روانپزشکی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رایس، فیلیپ. (۲۰۰۱). *رشد انسان (روانشناسی رشد از تولد تا مرگ) (ویراست چهارم)*. ترجمه مهشید فروغان. (۱۳۸۷). تهران: انتشارات ارجمند.
- طباطبایان، راضیه و امیری، شعله. (۱۳۸۷). *بررسی پایانی و اعتبار پرسشنامه روابط با همگان فرم کودکان*. زیر چاپ.
- فتحعلی لواسانی، فهیمه. (۱۳۸۰). *راهنمای آموزشی مهارت‌های زندگی برای معلمان و مربیان کلاس پنجم*. تهران: معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
- فونتانا، دیوید. (۱۹۹۵). *روانشناسی در خدمت معلمان: تعاملات اجتماعی (جلد سوم)*. ترجمه صغری ابراهیمی قوام. (۱۳۸۹). تهران: انتشارات نوبهار.
- کارتلج، جی و میلرن، جی، اف. (۱۳۷۲). *آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان*. ترجمه‌ی محمد حسین نظری نژاد. مشهد: موسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- کمبل، سوزان. (۱۳۸۷). *مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی (مسائل بالینی و رشدی)*. ترجمه سعید صیادللو. (۱۳۸۶). تهران: انتشارات دانژه.

Banks, R. (1997). *Bullying in schools*. ERIC Clearinghouse on Elementary and Early Childhood Education. Champaign, IL: ERIC Clearinghouse on Elementary and Early Childhood Education. 154- 407.

Bruyan, E. H., Cillessen, A. H. & Wissink, I. B. (2010). Associations of peer acceptance and perceived popularity with

- bullying and victimization in early adolescence. *Journal of early adolescence*, 30 (4), 543-566 .
- Dava, K. (2004). Social skills in student with disabilities: *Intervention in School and Clinic*, 43 (3), 186-192 .
- Egan, S. K., & Perry, D. G. (1998). *Does low self-regard invite victimization*, *Developmental Psychology*, 34, 299-309.
- Fox, L. C., Baulton, J. M., (2006). Friendship as a moderator of the relationship between social skills problems and peer victimization. *Journal of Aggressive Behavior*, 32, 110-121 .
- Frankel, F., Myatt, K. (2003). *Children's friendship training*. New York: Brunner-Routledge .
- Georgiou, S. N & Stavrinides, P. (2008). Bullies, victims and bully-victims. psychological profiles and attribution styles. *School Psychology International*, 29 (5), 574-589 .
- LeGrand, S. (2002). Peer relationship. *Columbiana Co. Educational Service Center* .
- Michael, R. Mcc. Montica, M. Fitz, G. Kil, P. (2009). *Evaluation and acute intervention with victims of violence*. Chapter 8, 167-187. Available:<http://search.ebscohost.com> .
- Mize, J. (2005). Social Skills intervention and peer relationship difficulties in early childhood. Quebec: *Centre of Excellence for Early Childhood Development* (1-7). Available at: <http://www.child-encyclopedia.com> .
- Olweus, D. (1978). *Aggression in schools: Bullies and whipping boys*. Washington DC, Hemisphere Press (Wiley).
- Rana, Niti. (2006). *The experience of being victims of school bullying a phenomenological study*, Submitted to Kathmandu University, 1-297 .
- Rigby, K. & Slee, P. T. (1990) Victims and bullies in school communities, *Journal of the Australasian Society of Victimology*, 1, 23-28 .
- Salmivalli, C. & Peets, K. (2009). Bullies, Victims, and bully-victim relationships in middle childhood and early adolescence.

In K. H. Rubin, W. M. Bukowski, & B. Laursen (Eds.), *Handbook of Peer Interactions, Relationships, and Groups*, 322-340. New York: Guilford Press .

Salmon, G., James, A., Cassidy, E. L., & Javoloyes, M. A. (2000). Bullying a review: *Presentations to an adolescent psychiatric service and within a school for emotionally and behaviorally disturbed children*, *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 5, 563-579 .

Schäfer, M. Korn, S. Brodbeck, F, C. Wolk, C & Schalz, H. (2004). Bullying roles in changing contexts: the stability of victims and bully roles from primary to secondary school. Munich, Germany: Ludwig-Maximilians-University, Department of Psychology, *Institute for Educational Psychology*. 165, 1-13. Available: <http://lsmandl.emp.paed.uni-muenchen.de>.

Wong. D. S. (2004). School Bullying and Tackling Strategies in Hong Kong. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 48 (5), 537-553 .

Woods, S. Done, J. Kalsi, H. (2009). Peer victimisation and internalising difficulties: the moderating role of friendship quality. *Journal of Adolescence*, 32 (2), 293-308.



## بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و از خودبیگانگی در

### سالمندان استان تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۱۰

مهناز علی اکبری دهکردی<sup>۱</sup>

محمد اورکی<sup>۲</sup>

زیبا برقی ایرانی<sup>۳</sup>

#### چکیده

**مقدمه:** مطالعه حاضر بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و از خودبیگانگی در سالمندان استان تهران می‌باشد.

**روش:** پژوهش حاضر از نوع همبستگی است به همین منظور تعداد ۴۰۰ نفر از سالمندان زن و مرد به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و مقیاسهای جهت‌گیری مذهبی آلپورت و راس، اضطراب مرگ تمپلر و از خودبیگانگی دین اجرا شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ همبستگی منفی و بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین در زنان و مردان جهت‌گیری مذهبی درونی به صورت منفی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی به صورت مثبت اضطراب مرگ را پیش‌بینی نموده است. همچنین، نتایج حاکی از این است که در سالمندان زن و مرد بین جهت‌گیری مذهبی درونی با از خودبیگانگی همبستگی منفی معنادار وجود دارد و بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با از خودبیگانگی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. همچنین، جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی دو متغیر قوی برای پیش‌بینی از خودبیگانگی بوده است، که میزان این پیش‌بینی در سالمندان مرد بیشتر بوده است. ( $p=0/05$ )

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاصله تلویحات مهمی درباره نقش پیش‌بینی‌کننده جهت‌گیری مذهبی بر اضطراب مرگ و از خود بیگانگی در سالمندان را ارائه می‌دهد و مؤید تأثیر جهت‌گیری مذهبی

- استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور مرکز تهران

- استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور مرکز تهران

- نویسنده مسئول: مربی گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور تهران kimia2010@gmail.com

درونی بر کاهش اضطراب مرگ و احساس از خودبیگانگی می باشد.

کلیدواژه ها: جهت گیری مذهبی درونی، جهت گیری مذهبی بیرونی، اضطراب مرگ، از خودبیگانگی، سالمندان

## **Relation between religious orientation with anxiety about death, and alienation in aged peoples (seniors) in Tehran**

**Mahnaz Ali Akbari Dehkordi**

**Mohammad Oraki**

**Ziba Barghi Irani**

### **Abstract**

The present study is a survey to find out the relation of religious orientation, anxiety of death and alienation in aged people among Tehran. The present study is 400 aged and women answered scales of religious orientations of Alport and Ras, death's anxiety of Templer and alienation of Din was performed. The results showed that between the internal religious orientations and anxiety of death, there is the negative solidarity and between the external religious orientations with anxiety of death there is a significant positive solidarity. Also in women and men, the internal religious orientation expected negatively the anxiety of death and the external religious and orientation expected positively the anxiety of death. Also the results showed that in aged women between the internal religious orientations with retreat, the sense of inability, anomie and alienation there is a significant and negative solidarity, between external religious orientations with the sense of inability, anomie and alienation there is a significant and positive solidarity, in aged men between the internal religious orientations with retreat, the sense of inability, anomie and alienation there is a significant and negative solidarity, between external religious orientations with retreat, the sense of inability, anomie and alienation there is a significant and positive solidarity, meanwhile, the internal and external religious orientations are two strong variables for anticipation of alienation, that this anticipation in aged men is more than women ( $P=0.05$ ).

**Keywords:** Internal Religious Orientations, External Religious Orientations, Anxiety of Death, Alienation, seniors.



## مقدمه

در مورد تأثیر مذهب بر اعتقادات مذهبی از دیرباز بحث های زیاد و گاهی متفاوت مطرح شده است. از یک سو روانکاوانی چون فروید<sup>۱</sup> و همکارانش مذهب و اعتقادات دینی را ناشی از ترس تلقی کرده و دین باوری را تنها در درون سازه های اجتماعی و درون روانی مانند وجدان اخلاقی تبیین می کنند و از طرف دیگر کسانی چون یونگ<sup>۲</sup> هرگونه اعتقاد دینی و مذهبی، حتی اگر آمیخته با خرافات و روشهای ابتدایی بشر بوده باشد را مورد توجه قرار داده و هر یک را در سلامت روانی افراد معتقد به آن لازم و ضروری شمرده اند. پژوهشهای روانشناسی نشان می دهد که مذهب، اساسی ترین و مهمترین مسئله در شخصیت سالم و وحدت روانی است. وحدت روان با سیستم ارزشی که بتواند به حیات معنی و هدف بدهد، مرتبط است. بسیاری از دانشمندان به نقش مذهب در مواجهه با مرگ و فناپذیری اشاره کرده اند. عقیده عمومی این است که مذهب به تمام سوال های مربوط به مرگ و علت وجودی انسان پاسخ می دهد و در افراد یک حس پیش بینی پذیری و احساس کنترل ایجاد می کند که از اضطراب فراخوانده شده که ناشی از نگرش خاص به مرگ و مواجهه با مرگ است، پیشگیری می کند. (اورکی و همکاران، ۱۳۸۹)

تحقیقات روی جمعیت کلی آمریکا نشان می دهد که ۹۵ درصد مردم معتقد به خداوند هستند و اکثریت آنها خودشان را با مذهبشان می شناسند (یونگ، ۱۹۹۶). بنابراین، مذهب بالاترین قابلیت را برای ایجاد وحدت شخصیت داراست. وحدت شخصیت و یگانگی روان انسان مظهر و نماینده بارز توحید ذات مقدس خالق است. پس بجاست که روانشناسی انسان گرا که توجه خاصی به سلامت روان و وحدت و یگانگی فرد دارد، نگاه دقت آمیزی به تعهد مذهبی به عنوان عاملی بالقوه و مساعد برای سلامت روان داشته باشد (حمدیه، ۱۳۷۲). روان شناسان مشهوری از جمله فروید (۱۹۲۸)، آلپورت<sup>۳</sup> (۱۹۵۰)، مازلو<sup>۴</sup> (۱۹۶۴) و فروم<sup>۵</sup> (به نقل از تریدوی، ۱۹۹۶) تلاشهای زیادی در این زمینه انجام

- 
- 1- Freud
  - 2- Jung
  - 3- Alport
  - 4- Maslo
  - 5- Froum

داده اند و به خصوص رابطه آن را با سلامت روانی<sup>۱</sup> بررسی کرده اند. در طی بیش از دو قرن اخیر و با گسترش مباحث مربوط به روان‌شناسی مذهب در سالم سازی انسان و ایجاد جامعه ای سالم و روبه رشد، توجه بسیاری از روان شناسان را بر انگیخته است. ویلیام جیمز<sup>۲</sup> که لقب پدر روان‌شناسی را به خود گرفته، معتقد است «عشق و نیروی مذهبی منجر به وقار و سنگینی و صبر و شکیبایی و اعتقاد و اطمینان در فرد می‌شود و احساسات مذهبی در نزد هر کس که باشد نیروی روزافزونی در کار و زندگی او وارد می‌سازد و هنگامی که در نبرد زندگی همه امیدها بر باد رود و دنیا به آدمی پشت کند احساسات مذهبی دست به کار شده در درون فرد هیجان و شور زندگی را زنده نگه می‌دارد» (احمدی، ۱۳۷۴). پژوهش‌های روان شناسان نشان می‌دهد که اساسی‌ترین و مهمترین مسئله در شخصیت سالم، وحدت روانی است و در بین سیستم‌های ارزشی، مذهب بالاترین قابلیت را برای ایجاد این وحدت داراست. این وحدت شخصیت در وضعیت قوا و استعداد‌های مختلف روان نمود پیدا می‌کند. در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده است که مذهب و اعتقادات مذهبی باعث سیستم ایمنی سالم و سلامت روانی بهتر در افراد می‌شود (مرعشی، ۱۳۸۳).

در بررسی لیندنتال و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۷۰) و اشتارک<sup>۴</sup> (۱۹۷۱) نتایج نشان داد افرادی که به اعتقادات مذهبی پای‌بند بودند، دارای اضطراب و ناراحتی‌های روانی خیلی کمتر از کسانی بودند که به این اعتقادات پای‌بند نبودند (جلیلونند، ۱۳۷۸). گارسوخ<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) پیشنهاد می‌کند که تمایز بین جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی در روان شناسی مذهب و سلامتی بسیار مفید است. افرادی که دارای جهت گیری مذهبی درونی هستند، در درون مذهب زندگی می‌کنند و در هر جنبه از زندگی خود به مذهب متوسل می‌شوند (آپورت، ۱۹۶۶). افرادی که دارای جهت گیری مذهبی بیرونی هستند، از مذهب برای شرکت در گروه (جنیا و شاو<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱)، محافظت از خود، شرکت در موقعیت‌های اجتماعی (آپورت و راس<sup>۷</sup>، ۱۹۶۷)، نشست‌های مذهبی (فلیک<sup>۸</sup>، ۱۹۸۱) و دفاع از خود (کاهو و مدو<sup>۹</sup>، ۱۹۸۱) استفاده می‌کنند. مختاری و همکاران (۱۳۸۰) نشان

- 
- 1- mental Health
  - 2- Wiliam Jaims
  - 3- Lindtal et al
  - 4- Shtark
  - 5- Gorsuch
  - 6- Genia & Shaw
  - 7- Ross
  - 8- Fleck
  - 9- Kahoe & Meadow

نشان دادند که بین جهت گیری مذهبی درونی با کاهش تنیدگی و بین جهت گیری مذهبی برونی با افزایش تنیدگی همبستگی معنی داری وجود دارد. بنابراین، می توان نتیجه گیری کرد که جهت گیری مذهبی به عنوان یک تعدیل گر تنیدگی عمل کرده و افراد با جهت گیری مذهبی درونی تنیدگی کمتری را تجربه می کنند. افرادی که دارای مذهب درونی هستند یعنی معتقدند که مذهب در ذات آنها ریشه دارد، در مقایسه با افرادی که فقط جهت گیری مذهبی بیرونی دارند، یعنی مذهب را وسیله ای برای دستیابی به چیز دیگری می دانند، بهداشت روانی مثبت تری دارند. افراد دارای مذهب درونی، سلامت روانی بالاتری دارند و افراد دارای مذهب بیرونی احتمالاً پیامدهای منفی تری را تجربه می کنند علاوه بر موارد ذکر شده، آلپورت معتقد به دو جهت گیری درونی<sup>۱</sup> و بیرونی<sup>۲</sup> در مذهب است. افراد مذهبی دارای گرایش درونی، دارای مذهب فراگیرتر و سازمان یافته تری هستند. این افراد با درونی کردن ارزشهای مذهبی، آن را به مثابه هدف در نظر می گیرند و از آن برای رفع نیازهای خود کمک می گیرند. افراد دارای جهت گیری بیرونی دارای باورهای دینی هستند، ولی از این باورها برای نیل به اهداف دیگر استفاده می کنند و دین را وسیله ای برای رسیدن به اهداف دیگر می دانند (دوناهو، ۱۹۸۵؛ به نقل از گارسوخ، ۱۹۸۸).

از جمله متغیرهایی که با جهت گیری مذهبی همبستگی معنی دار دارد، اضطراب مرگ<sup>۳</sup> می باشد. اضطراب مرگ احساسی از نداشتن زندگی خوشایند در زندگی می باشد و فردی که از اضطراب مرگ رنج می برد، زندگی برای او لذت بخش نبوده و احساس بی معنی بودن می کند (فروم<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶). یکی از راههای کاهش اضطراب و ترس از مرگ، روی آوردن به مذهب و گرایشات مذهبی می باشد و نشان داده شده که گرایشات منفی نسبت به مذهب، ترس از مرگ را افزایش می دهد (فری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰؛ تورسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰؛ تورسون و پاول<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). پژوهشگران بیان کرده اند که بین جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی با

- 
- 1- internal
  - 2- external
  - 3- death anxiety
  - 4- Fromm
  - 5- Fry
  - 6- Thorson
  7. Powell

اضطراب مرگ و رضایت از زندگی و اعتقاد به زندگی بعد از مرگ رابطه معنی‌دار وجود دارد (کوهن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). مارک و پاول<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) نشان دادند که بین اعتقاد به جهان بعد از مرگ و جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین، در این پژوهش نشان داده شد که هم اضطراب مرگ و هم قبول مرگ به تأثیرات زندگی بعد از مرگ وابسته هستند. باکر و گارسوخ<sup>۳</sup> (۱۹۸۲) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و اضطراب همبستگی منفی و بین جهت‌گیری مذهبی درونی و اضطراب همبستگی مثبت وجود دارد. در مطالعه نلسون<sup>۴</sup> (۱۹۸۰) نشان داده شد که اعمال مذهبی بیشتر از اعتقاد ذهنی به مذهب روی اضطراب مرگ تأثیر دارد. در مطالعه کراف<sup>۵</sup> (۱۹۸۷) نشان داده شد که اضطراب مرگ بالا با ابراز وجود پایین ارتباط مثبت دارد. همچنین، در این پژوهش نشان داده شد که بین اعتقادات مذهبی بالا و اضطراب مرگ پایین رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. نلسون (۱۹۸۰) بین ترس از مرگ و انگیزش مذهبی ارتباط منفی بدست آورد و اعمال مذهبی را به عنوان یک پاسخگوی مناسب از اضطراب مرگ پایین تر و سلامت روانی بهتر مطرح کرد (ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۵). در مطالعات سیرلی<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) نشان داده شد که اعتقاد به زندگی بعد از مرگ و گرایش‌های مذهبی با ترس از مرگ ارتباط منفی دارد. تحقیقات یاهویون<sup>۷</sup> (۲۰۱۰) با عنوان رابطه مذهب و اضطراب مرگ بر روی ۱۶۵ نفر تایوانی نشانگر رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی با اضطراب پس از مرگ می‌باشد.

مصاحبه‌های انجام شده توسط بران و همکاران (۲۰۱۱) با خانواده‌های فوت‌شدگان ساکن آمستردام رابطه دینداری و رفتار در آخر هفته را مورد بررسی قرار داد. هیچکدام از ویژگی‌های مذهبی بودن به طور عمده با حالات افسردگی یا اضطراب در ارتباط نبود، ولی حس آرامش در آنهایی که حضور پررنگ در کلیسا داشتند و بخصوص معتقد به وجود جهنم و بهشت بودند، مشهود بود. به طور خلاصه پژوهش حاضر نشان داد دینداری تأثیری در حالت افسردگی یا اضطراب در هفته آخر زندگی نداشت، ولی دینداری و

- 
- 1- Cohen et al
  - 2- Marce and Paul
  - 3- Baker, and Gorsuch
  4. Nelson
  - 5- Kraf
  - 6- Ciciirelli
  - 7- ya-Huiwen

مذهبی بودن می‌توانست حس آرامشی را ایجاد کند که امکان جنبه وجودی بیشتر و حالت و رفتار را بنمایاند که مربوط به دوره آخر زندگی و آرامش بخشیدن به انسان می‌شود.

تحقیقات انجام شده توسط دیزاتر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) بر روی ۴۷۱ بلژیکی نشان داد که جهت گیری مذهبی درونی با باور به زندگی پس از مرگ ارتباط دارد و افرادی که گرایش به جهت گیری مذهبی بیرونی دارند از اضطراب مرگ بالاتری برخوردارند. تحلیل و بررسی فرهنگی اضطراب مرگ میان شهروندان سالمند ژاپنی توسط کاوانو (۲۰۱۱) نشان داد که اضطراب مرگ در اعضای GFPS (افراد که پس از مردن جسد را سوزانده و خاکستر آن را از طریق پاشیدن به طبیعت باز می‌گردانند) در مقایسه با دیگر فرهنگ‌ها کمتر است.

مطالعات انجام شده بر روی ۱۲۰ سالمند بیوه و متاهل ۶۰ تا ۷۵ ساله توسط قفران و همکارانش (۲۰۰۸) نشان داد گرایش مذهبی در سالمندانی که همسرانشان فوت کرده‌اند بیشتر از آنهایی است که همسرانشان زنده هستند، ولی تفاوت معنی‌داری بین زنان و مردان بیوه در مذهبی بودن مشاهده نشد. نگرانی نسبت به مرگ در آنهایی که همسرشان فوت شده بود بیشتر از افراد دارای همسر در قید حیات بود و زنان بیوه اضطراب بیشتری به مرگ نسبت به مردان بیوه داشتند.

تحقیقات عزیز و همکاران (۲۰۱۰) بر روی ۱۴۵ سالمند ۶۰ سال و بالاتر با موضوع بررسی شیوع اضطراب مرگ در سالمندان مسلمان نشان داد که افراد ساکن در آسایشگاه سالمندان دارای اضطراب مرگ بیشتری نسبت به دیگران بودند، زنان و افراد بی‌سواد ترس از مرگ را بیشتر اظهار کردند. نتایج این تحقیقات نشان داد که پشتیبانی اجتماع و خانواده در کاستن از اضطراب مرگ در سالمندان دارای اهمیت بالایی است. قابل ذکر است که داشتن اطلاعات و آگاهی در مورد تجربیات آنها می‌تواند در کم کردن اضطراب مفید باشد.

از خود بیگانگی به معنی جهت‌گیری منفی احساسات ناهماهنگ فرد و باورهای نقادانه نسبت به بافت اجتماعی خاص است (سوات دیپونگ<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲؛ به نقل از ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۵). ساترلند<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) معتقد است که بیگانگی به معنی احساس بی‌معنی بودن زندگی،

---

1- Dezutter  
2- Swatdiping  
3- Saterland



احساس جدایی از دوستان و بیزار بودن از ارزشهای جامعه می باشد (ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۵). در مطالعه بانای<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نشان داده شد زمانی که از خودبیگانگی اجتماعی با عواملی از قبیل نظامهای سیاسی و اقتصادی تغییر پیدا می‌کند، از خودبیگانگی با واکنش نسبت به تغییرات محیطی ارزیابی می‌شود.

مطالعه پالاسو<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) نشان داد که از خودبیگانگی با عوامل اقتصادی- اجتماعی بیشتر مرتبط است و سهم این عوامل بیشتر از عواملی مانند سبک زندگی است. در شهرهای دارای بافت جدید از خودبیگانگی با عواملی از قبیل سلامتی و سلامتی نیز با سبک زندگی مرتبط است. در مطالعه باو و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) نشان داده شد که نظام اجتماعی نمی‌تواند به عنوان عامل اصلی از خودبیگانگی اجتماعی باشد، بلکه عوامل دیگری از قبیل عوامل موقعیتی، سازمانی و عوامل شخصی از جمله عدم اعتقادات مذهبی و جهت‌گیری‌های غلط در دین می‌تواند بوجود آورنده آن باشند. با توجه به پژوهشهای مختلف بالا می‌توان چنین استنباط کرد که مذهب و گرایش‌های مذهبی می‌تواند تأثیر بسزایی در از خودبیگانگی افراد داشته باشد؛ چرا که از خودبیگانگی باعث اضطراب افراد و جدا شدن از هویت شخصی می‌شود و احساس جدا شدن از زندگی اجتماعی را به دنبال دارد (میلز<sup>۴</sup>، ۱۹۵۶). اما از آنجا که مذهب در سلامت روانی افراد معتقد به آن لازم و ضروری است (حمدیه، ۱۳۷۲)، می‌توان گفت که مذهب و جهت‌گیری مذهبی با احساس از خودبیگانگی ارتباط معنی‌دار دارد.

به طور کلی با توجه به اینکه ترس از مرگ و نگرش به مرگ نقش مهمی در حفظ سلامت روانی و سطح نگرانی بزرگسالان بازی می‌کند و از آنجا که خلاءهای موجود در تحقیقاتی که در مورد نقش جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و از خودبیگانگی انجام شده است در ایران بیشتر احساس می‌شود و تاکنون هیچ مطالعه داخلی در این زمینه صورت نگرفته است، لذا پژوهش حاضر به بررسی این سوال می‌پردازد که جهت‌گیری مذهبی تا چه حد بر احساس اضطراب مرگ و از خود بیگانگی تأثیر دارد؟

روش

- 
- 1- Banai et al
  - 2- Palosuo
  - 3- Bao et al
  - 4- Milse

این مطالعه از نوع همبستگی بود. نمونه آماری این پژوهش شامل ۴۰۰ سالمند زن و مرد ساکن استان تهران بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، به این صورت که از هر دو گروه زن و مرد به نسبت مساوی ۵۰ درصد انتخاب شدند، یعنی ۲۰۰ نفر زن و ۲۰۰ نفر مرد نمونه پژوهش را تشکیل دادند. میانگین و انحراف استاندارد سنی آزمودنی‌ها به ترتیب برابر با ۶۴/۴۳ و ۳/۴۵ بوده است.

### ابزار پژوهش

الف) پرسشنامه جهت گیری مذهبی: این مقیاس توسط آلپورت و راس (۱۹۶۲) ساخته و اعتباریابی شده است. این مقیاس دارای دو زیر مقیاس جهت گیری مذهبی درونی و جهت گیری مذهبی بیرونی می باشد. این مقیاس دارای ۲۱ آیت می باشد که ۱۲ آیت مربوط به زیرمقیاس اول و ۹ آیت مربوط به زیر مقیاس دوم است. زیرمقیاس اول دارای دامنه نمراتی از ۱۲ تا ۶۶ بوده و آلفای کرونباخ آن ۰/۷۶ و پایایی آن از طریق دونیمه سازی ۰/۷۱ گزارش شده است. دامنه نمرات در زیر مقیاس دوم از ۹ تا ۶۲ بوده و آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۸۷ و پایایی آن از طریق دونیمه سازی ۰/۸۰ ذکر شده است.

ب) مقیاس اضطراب مرگ: این مقیاس توسط تمپلر<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) ساخت و اعتباریابی شده است و بیشترین کاربرد را در نوع خود داشته است. این مقیاس یک پرسشنامه خوداجرایی متشکل از ۱۵ سوال صحیح - غلط است. دامنه تغییرات از صفر تا پانزده می باشد و نمره زیاد معرف درجه بالایی از اضطراب است. ساچینو و کلاین (۱۹۹۶) ضریب آلفای کرونباخ را برای عاملهای سه گانه‌ای که با روش تحلیل عوامل ویرایش ایتالیایی این مقیاس بدست آوردند به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۴۹ و ۰/۶۰ گزارش کرده‌اند. تمپلر (۱۹۷۰) ضریب بازآزمایی مقیاس DAS را ۰/۸۳ به دست آورده است. کونتی، وینر و پلاچیک<sup>۲</sup> (۱۹۸۲)، اعتبار تنصیف مقیاس اضطراب مرگ را ۰/۷۶ و همبستگی هر سوال با نمره کل را ۰/۳۰ تا ۰/۷۴ با میانگین ۰/۵۱ برای افراد سالخورده و ۰/۴۴ برای گروه دانشجویان گزارش کرده‌اند. همچنین، عبدالخالق و احمد (۱۹۹۱)، ضرایب اعتبار تنصیف مقیاس اضطراب مرگ برای فرم عربی آن را برای مردان ۰/۵۷ و برای دو گروه فوق به ترتیب

1- templer

2- conte;weiner&plytchik

۰/۷۸ و ۰/۸۸ ذکر کرده‌اند. کلی و کوریویو<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، اعتبار بازآزمایی مقیاس اضطراب مرگ را ۰/۸۵ و ضریب همسانی درونی آن را ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند.

ج) مقیاس از خود بیگانگی: این پرسشنامه توسط دین<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) ساخته شده و دارای ۲۴ آیتم می‌باشد. آزمودنی به هر کدام از سؤالات روی یک مقیاس ۵ درجه ای از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» پاسخ می‌دهد. کسب نمره بالا در این مقیاس نشانگر میزان بیشتری از احساس از خود بیگانگی است. حداقل نمره در این پرسشنامه ۲۴ و حداکثر نمره ۱۲۰ می‌باشد. این پرسشنامه دارای سه خرده مقیاس، بی‌هنجاری<sup>۳</sup> (۶ آیتم)، احساس ناتوانی<sup>۴</sup> (۹ آیتم) و احساس انزوا<sup>۵</sup> (۹ آیتم) می‌باشد. در مطالعه دین (۱۹۷۶) ضریب پایایی دو نیمه سازی کل مقیاس ۰/۷۸، ناتوانی ۰/۷۸، بی‌هنجاری ۰/۷۳ و انزوا ۰/۸۳ گزارش شده است. و ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس از ۰/۷۵ تا ۰/۹۵ و ضریب اعتبار آن از ۰/۵۹ تا ۰/۷۸ گزارش شده است (ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۵).

## نتایج

جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش در زنان سالمند از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- همبستگی متغیرهای پژوهش با یکدیگر در زنان سالمند

متغیرها	اضطراب مرگ	از خود بیگانگی	انزوا	احساس ناتوانی بی‌هنجاری
جهت گیری	-۰/۱۸	-۰/۱۸	-۰/۲۱	-۰/۲۳
مذهب درونی	۰/۰۰۵	۰/۰۱۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
جهت گیری	۰/۱۶	۰/۱۸	۰/۲۵	۰/۲۷
مذهب بیرونی	۰/۰۰۹	۰/۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳

- 1- Kelly & corrivear
- 2- Dine
- 3- normlessness
- 4- powerlessness
- 5- isolation

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین جهت گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ ( $r = -0/18$ )، انزوا ( $r = -0/21$ )، احساس ناتوانی ( $r = -0/17$ )، بی‌هنجاری ( $r = -0/23$ ) و از خود بیگانگی ( $r = -0/18$ ) همبستگی منفی معنی دار و بین جهت گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ ( $r = 0/16$ )، احساس ناتوانی ( $r = 0/19$ )، بی‌هنجاری ( $r = 0/27$ )، از خود بیگانگی ( $r = 0/18$ ) و انزوا ( $r = 0/25$ ) همبستگی مثبت معنی دار وجود دارد. جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش در مردان سالمند از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که خلاصه آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- همبستگی متغیرهای پژوهش با یکدیگر در مردان سالمند

متغیرها	اضطراب مرگ	از خود بیگانگی	انزوا	احساس ناتوانی	بی‌هنجاری
جهت گیری	-0/22	-0/13	-0/18	-0/135	-0/23
مذهب درونی	0/001	0/03	0/0145	0/044	0/006
جهت گیری	0/164	0/175	0/16	0/165	0/27
مذهب بیرونی	0/009	0/014	0/032	0/014	0/006

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین جهت گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ ( $r = -0/22$ )، انزوا ( $r = -0/18$ )، احساس ناتوانی ( $r = -0/135$ )، بی‌هنجاری ( $r = -0/23$ ) و از خود بیگانگی ( $r = -0/13$ ) همبستگی منفی معنی دار و بین جهت گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ ( $r = 0/164$ )، احساس ناتوانی ( $r = 0/165$ )، بی‌هنجاری ( $r = 0/27$ )، از خود بیگانگی ( $r = 0/175$ ) و انزوا ( $r = 0/16$ ) همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد.

جهت پیش‌بینی تأثیر جهت‌گیری مذهبی بر متغیرهای پژوهش در زنان سالمند از رگرسیون چند متغیری با روش ورود مکرر استفاده شده که خلاصه نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- ضریب رگرسیون چند متغیری با روش ورود مکرر برای پیش بینی اضطراب مرگ و از خودبیگانگی زنان سالمند

ضرایب همبستگی		F (p)	RS	MR	متغیر		
۲	۱				پیش بین	ملاک	
B = -۰/۲۵۵		۶/۵۶ (۰/۰۱۲)	۰/۰۶۵	۰/۲۵۵	جهت گیری مذهبی درونی	*	اضطراب
t = -۲/۵۶							
p = ۰/۰۱۲							
B = ۰/۳		۴/۳۷ (۰/۰۱۵)	۰/۰۸۶	۰/۲۹۲	جهت گیری مذهبی بیرونی		مرگ
B = ۰/۲۵							
t = ۲/۷							
p = ۰/۰۱۴							
B = ۱/۲۱		۱/۴۴ (۰/۰۴۱)	۰/۰۴۳	۰/۲۱	جهت گیری مذهبی درونی	*	از خود
t = ۲/۳۰							
p = ۰/۰۳							
B = -۱/۲۳۶		۲/۲۳ (۰/۰۲۵)	۰/۰۵	۰/۲۲۳	جهت گیری مذهبی بیرونی		بیگانگی
B = -۱/۰۸							
t = -۳/۰۷							
p = ۰/۰۰۲							

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندمتغیری برای ترکیب خطی متغیرهای جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی با اضطراب مرگ برابر با ۰/۲۵۵ و ۰/۲۹۲ می‌باشد. این مقادارها بیشتر از ضریب همبستگی ساده متغیرهای جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی با اضطراب مرگ می‌باشد. بنابراین، جهت گیری مذهبی درونی به صورت منفی و جهت گیری مذهبی بیرونی به صورت مثبت بهترین متغیر برای پیش بینی اضطراب مرگ در سالمندان زن بوده است. همچنین، ضریب همبستگی چندمتغیری برای ترکیب خطی جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی با از خودبیگانگی در زنان سالمند برابر با ۰/۲۱ و ۰/۲۲۳ می‌باشد. این مقدار بیشتر از ضریب همبستگی ساده این متغیرها با از خودبیگانگی می‌باشد. بنابراین، با توجه به جدول می‌توان گفت که جهت گیری

مذهبی درونی به صورت منفی و جهت گیری مذهبی بیرونی به صورت مثبت متغیرهای قوی برای پیش بینی از خودبیگانگی می‌باشند.

جهت پیش‌بینی تأثیر جهت گیری مذهبی بر متغیرهای پژوهش در مردان سالمند از رگرسیون چند متغیری با روش ورود مکرر استفاده شد که خلاصه نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- ضریب رگرسیون چند متغیری با روش ورود برای پیش بینی اضطراب مرگ و از خودبیگانگی مردان سالمند

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	MR	RS	F (p)	ضرایب همبستگی	
					۱	۲
اضطراب مرگ	جهت گیری مذهبی	۰/۱۷۱	۰/۰۲۵	۳/۱۳۶ (۰/۰۵)	B = -۰/۱۴۳ = - ۱/۵۸	*
	درونی			t p = ۰/۰۴		
	جهت گیری مذهبی	۰/۱۷۸	۰/۰۳۳	۲/۸۱ (۰/۰۴)	B = ۰/۱۶۳ t = ۱/۶۳	
	بیرونی			p = ۰/۰۵	B = ۰/۱۷۰ t = ۱/۷۶	
از خودبیگانگی	جهت گیری مذهبی	۰/۳۰۴	۰/۰۸۸	۱/۸۸ (۰/۰۲)	B = ۱/۶۷ t = - ۲/۲۳	*
	درونی			p = ۰/۰۴۲		
	جهت گیری مذهبی	۰/۲۸۸	۰/۱۸۲	۲/۶۷ (۰/۰۳)	B = -۱/۲۲ t = -۱/۹۵	
	بیرونی			p = ۰/۰۴	B = -۱/۲۷ t = -۱/۴۵۶	

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندمتغیری برای ترکیب خطی متغیرهای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با اضطراب مرگ برابر با ۰/۱۷۱ و ۰/۱۷۸ می‌باشد. این مقادیر بیشتر از ضریب همبستگی ساده متغیرهای جهت

گیری مذهبی درونی و بیرونی با اضطراب مرگ می‌باشد. بنابراین، جهت‌گیری مذهبی درونی به صورت منفی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی به صورت مثبت بهترین متغیر برای پیش‌بینی اضطراب مرگ در سالمندان مرد بوده است. همچنین، ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با ازخودبیگانگی در مردان سالمند برابر با ۰/۳۰۴ و ۰/۲۸۸ می‌باشد. این مقدار بیشتر از ضریب همبستگی ساده این متغیرها با ازخودبیگانگی می‌باشد. بنابراین، با توجه به جدول می‌توان گفت که جهت‌گیری مذهبی درونی به صورت منفی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی به صورت مثبت متغیرهای قوی برای پیش‌بینی اضطراب مرگ و ازخودبیگانگی بوده است که میزان این پیش‌بینی با توجه به مقدار MR در سالمندان مرد بیشتر بوده است.

### بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و ازخودبیگانگی در سالمندان است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد. این یافته با یافته‌های دیزاتر و همکاران (۲۰۰۹)، یاهیون (۲۰۱۰) و گارسوخ (۱۹۸۸) همخوانی دارد. آنها نشان دادند که افراد مذهبی با گرایش درونی، دارای مذهبی‌فراگیر و سازمان‌یافته‌اند، بنابراین با درونی‌کردن ارزشهای مذهبی، آن را به مثابه هدف در نظر می‌گیرند و از آن برای رفع نیازهای خود کمک می‌گیرند، بنابراین این افراد کمتر دچار اضطراب می‌شوند و از مذهب به عنوان یک مکانیزم تسکین‌دهنده تعادل روانی استفاده می‌کنند.

همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد. این یافته با نتایج مارک و پاول (۲۰۰۳)، مالتبی و دای (۲۰۰۰)، سیسرلی (۲۰۰۱)، باکر و گارسوخ (۱۹۸۲)، کراف (۱۹۸۷) و نلسون (۱۹۸۰)؛ به نقل از ابوالقاسمی و نریمانی، (۱۳۸۵) همخوانی دارد. آنها در پژوهش‌های خود به ارتباط مثبت جهت‌گیری‌های منفی در مذهب با سلامت روانی و اضطراب اشاره کرده‌اند. به طوری که اشاره شده است یکی از راه‌های کاهش اضطراب و ترس از مرگ، روی آوردن به مذهب و گرایش‌های مذهبی می‌باشد و نشان داده شده که گرایش‌های منفی نسبت به مذهب، ترس از مرگ را افزایش می‌دهد (فری، ۲۰۰۰؛ تورسون، ۲۰۰۰؛

تورسون و پاول، ۲۰۰۰). بنابراین، می توان گفت شخصی که دارای جهت گیری مذهبی بیرونی می باشد در اجتماعات مذهبی بیشتر شرکت می نماید، ولی چون مذهب او به صورت درونی و سازمان یافته نیست، بنابراین از سلامت روانی کمتری برخوردار است.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که هم در میان سالمندان زن و هم در سالمندان مرد، جهت گیری مذهبی درونی به صورت منفی و جهت گیری مذهبی بیرونی به صورت مثبت بهترین متغیر برای پیش بینی اضطراب مرگ در سالمندان زن و مرد بوده است. این یافته با یافته های کاریاکی میستاکیدو و همکاران (۲۰۰۵)، مارک و پاول (۲۰۰۳)، سیسرلی (۲۰۰۱)، مالتبی و دای (۲۰۰۰)، باکر و گارسوخ (۱۹۸۲) و نلسون (۱۹۸۰)؛ به نقل از ابوالقاسمی و نریمانی، (۱۳۸۵) همخوانی دارد. نتایج مشابه این پژوهشها به ارتباط منفی جهت گیری مذهبی درونی با افسردگی و اضطراب اشاره دارند. پژوهشها نشان می دهد که مذهب، اساسی ترین و مهمترین مسئله در شخصیت سالم، وحدت روانی است و وحدت روان با سیستم ارزشی که بتواند به حیات معنی و هدف بدهد، مرتبط است. با توجه به آنکه افراد دارای گرایش مذهب درونی ارزشهای مذهبی را درونی کرده و آن را به مثابه هدف در نظر می گیرند و از آن برای رفع نیازهای خود کمک می گیرند (گارسوخ، ۱۹۸۸)، بنابراین این نتایج قابل توجه است. افراد دارای جهت گیری بیرونی دارای باورهای دینی هستند، ولی از این باورها برای نیل به اهداف دیگر استفاده می کنند و دین را به عنوان یک وسیله می دانند (گارسوخ، ۱۹۸۸). بنابراین، در تبیین این یافته ها می توان گفت که این افراد ممکن است شرکت در اجتماعات مذهبی را برای ریاکاری و نیل به اهداف اجتماعی و یا اقتصادی دیگر انجام دهند، چه بسا برنامه ریزی های کوتاه مدت و بلند مدت، غنی سازی برنامه های مذهبی می تواند افراد با جهت گیری مذهبی بیرونی را تبدیل به افراد دارای جهت گیری درونی نماید.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد در سالمندان زن بین جهت گیری مذهبی درونی با انزوا، با احساس ناتوانی، با بی هنجاری و با از خود بیگانگی همبستگی منفی و معنی دار و بین جهت گیری مذهبی بیرونی با احساس ناتوانی، با بی هنجاری و با از خود بیگانگی همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد (جدول شماره ۱). همچنین نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که در سالمندان مرد بین جهت گیری مذهبی درونی با انزوا، با احساس ناتوانی، با بی هنجاری و با از خود بیگانگی همبستگی منفی و معنی دار و بین جهت



گیری مذهبی بیرونی با انزوا، با احساس ناتوانی، با بی‌هنجاری و با از خود بیگانگی همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد (جدول شماره ۲).

با توجه به آنکه در این زمینه تحقیق منسجمی به عمل نیامده و تنها در این پژوهش به رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با احساس ازخودبیگانگی پرداخته شده است، می‌توان گفت که باورهای مذهبی منجر به یک سلسله عواطف و احساسات مثبت می‌گردند که از طریق سیستم ایمنی برای سلامتی مفید هستند. از جمله این عواطف می‌توان به صبر، توکل، رحمت، سکینه، اطمینان، خشوع، تسلیم، رضا و ... اشاره نمود که اسلام به خوبی از عهده تبیین آن برآمده است. در تحقیقاتی که توسط پژوهشگران مرکز مطالعات مذهب و سلامتی دانشگاه «دوک» آمریکا انجام شد، نشان داده شد افرادی که مرتباً به عبادتگاه می‌روند، دارای سیستم ایمنی قوی‌تری هستند (مرعشی، ۱۳۸۳). همچنین، صداقت مذهبی (چه در یهودیت، اسلام، مسیحیت، بودایی یا ادیان دیگر) می‌تواند واقعاً موجب افزایش میزان بهداشت روانی و اجتماعی گردد (خدا رحیمی و جعفری، ۱۳۷۸؛ به نقل از نوربالا، ۱۳۸۱). بنابراین، نتایج این پژوهش قابل توجه است، چرا که جهت‌گیری مذهبی درونی با ازخودبیگانگی به عنوان یک احساس منفی مختل‌کننده سلامت روانی همبستگی منفی داشته و جهت‌گیری مذهبی بیرونی با احساس ازخودبیگانگی همبستگی مثبت داشته است. با این وجود، افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی در مقابل افراد دارای گرایش مذهبی بیرونی معتقدند که مذهب در ذات آنها ریشه دارد، و بهداشت روانی و اجتماعی مثبت‌تری دارند. افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی، سلامت روانی بالاتری دارند و افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی احتمالاً پیامدهای منفی‌تری را تجربه می‌کنند (دوناو، ۱۹۸۵). در مجموع، باتوجه به نتایج این پژوهش و به تبعیت از پژوهش‌های دیگر می‌توان گفت که گرایش مذهبی درونی می‌تواند به زیستن و مردن انسان معنا داده و موجب امیدواری و خوشبینی، احساس کنترل و کارآمدی شود (لیندنتال و همکاران، ۱۹۷۰، اشتارک، ۱۹۷۱؛ به نقل از جلیلود، ۱۳۷۸).

همچنین، نتایج نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی به صورت منفی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی به صورت منفی متغیرهای قوی برای پیش‌بینی ازخودبیگانگی هستند. از آنجا که ازخودبیگانگی به معنی جهت‌گیری منفی احساسات ناهماهنگ فرد و باورهای نقادانه نسبت به بافت اجتماعی خاص است (سوات دیپونگ، ۱۹۸۲؛ به نقل از

ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۵) و نوعی احساس بی معنی بودن زندگی، احساس جدایی از دوستان و بیزار بودن از ارزشهای جامعه می باشد (ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۵)، می توان گفت که داشتن اعتقادات مذهبی مثبت می تواند به زندگی افراد معنی داده و باعث گرویدن به ارزشهای مثبت جامعه شود. همچنین، مذهب و اعتقادات مذهبی می تواند فکر افراد جامعه را مثبت نگه دارد و به عنوان یک نگهدارنده سلامت روانی و اجتماعی آنان در تمام مراحل زندگی عمل کند. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود که به مذهب و اعتقادات مذهبی و جهت گیری مثبت دادن به آنان بیشتر توجه شود تا بتوان جامعه ای سالم و به دور از اختلالات روانی و آسیبهای اجتماعی داشت.

### منابع

- ابراهیمی فرد، مریم؛ عسگری کوچی؛ زهرا و شیخ ویسی، آرزو. (۱۳۸۳). رابطه جهت گیری مذهبی با اضطراب و حرمت خود در دانش آموزان عادی و تیزهوش مقطع متوسطه شهرستان اردبیل. پایان نامه کارشناسی.
- ابوالقاسمی، عباس و نریمانی، محمد. (۱۳۸۵). *آزمونهای روانشناختی* (چاپ اول). اردبیل: باغ رضوان.
- اورکی، محمد امین؛ برقی ایرانی، زیبا. (۱۳۸۹). رابطه جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ در دانشجویان. *کنگره بین المللی دین، فرهنگ و روانشناسی*.
- احمدی، علی. (۱۳۷۴). *روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی* (چاپ اول). تهران: سمت.
- جلیلوند، محمد امین. (۱۳۷۸). بررسی رابطه نماز با اضطراب. *مجله دانشگاه اسلامی*، سال دوم، شماره هشتم.
- حمدیه، مصطفی. (۱۳۷۲). تفکر الهی و بهداشت روانی. چکیده ۴۰ سخنرانی. تهران: دفتر مطالعات اسلامی، ۳۶، ۴.
- سید محمدی، یحیی. (۱۳۸۰). *آسیب شناسی روانی* (چاپ دوم، جلد دوم). روزنهان، دیوید. ال و سلیگمن، مارتین. ای، پی، تهران: ارسباران (۱۹۹۹).
- نوربالا، احمد علی. (۱۳۸۰). *نگاهی به سیمای سلامت روان در ایران*. تهران: مرعشی، (۱۳۸۳)
- مختاری و همکاران (۱۳۸۰)

- Ajan W.Braam. (2011). Religionsess and mood in the last week of lif. *Journal of palliative medicine*.vol.14.
- Azaiza.F.&Ron.P. (2010). Death and dying anxiety among elderly ARAB muslims in Is . *Death Studies*,34:351-364.
- Dezutter.J. (2009). The role of religion in death attitues . *Death Studies*,33:73-92.
- Kraf, W.A. (1986). Religious orientation and assertiveness, relationship to death anxiety. *Journal of Social Psychology*, 127, 1. 93.
- Ya-Huiwen. (2010). Religious and death anxiety. *Journal of human resource and adult learning*.vol. 6.
- Abdel-Khalek,A.M. (1991). Death anxiety among Lebanese samples.*Psychological Reports*.68:924-926.
- Allport, G.W and Ross, G.M. (1967).personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*". 5, 432-443.
- Allport, G.W., (1966). Religious context of prejudice. *Journal for the Scientific Study of Religion* 5, pp. 447-457.
- Baker, M. and Gorsuch, R., (1982). Trait anxiety and intrinsic-extrinsic religiousness. *ournal for the Scientific Study of Religion* 21, pp. 119-122
- Banai, M and Weisberg, J.Y.(2003). Alienation in state-owned and private companies in Russia. *Scandinavian Journal of Management*. 19, 3 , 359-383.
- Bao., Y; Zheng, K. Z and Zhou, N. (2006). Social alienation in a transitional economy: Antecedents and impact on attitude toward social reform". *Journal of Business Research*. Article in Press.
- Cicirelli, V.G. (2001). Personal meanings of death in older adults fear of death. *Gerontologist*, 39, 569-576.
- Cicirelli, V.G. (2002). Fear of death in older adults, prediction from terror management theory. *Journal of Gerontology*. 57b, 358-366.
- Cohen, A. B; Pierce. J.D; Chambers.J; Meade, R; Gorvine, B.G and Koenig, H.G. (2005). Intrinsic and extrinsic religiosity, belief in the afterlife, death anxiety, and life satisfaction in young Catholics and Protestants. *Journal of Research in Personality*. 39, 3. 307-324.

- Conte, H. R. ;Weiner,M.B.&Plutchik, R. (1982). "Measuring death anxiety:conceptual,psychometric, and factor-analytic aspects. *Journal of personality and social psychology*, 43:No.4:775-785.
- Fleck, J.R., 1981. Dimensions of personal religion: a dichotomous view. In: Fleck, J.R. and Carter, J.D. Editors,( 1981). *Psychology and Christianity* Harper Row, New York, pp. 66–80.
- Fromm, E. (1976). The will to live. In *Preventive medicine* (Vol. 5). New York: Academic Press (518–521).
- Fry, P.S. (2000). Religious involvement, spirituality and personal meaning for life, existential predictors of psychological well-being in community-residing and institutional care elders, aging and mental health. 4, 375-387.
- Genia, V. and Shaw, D.G., (1991). Religion, intrinsic—extrinsic orientation, and depression. *Review of Religious Research* 32, pp. 274–283.
- Ghufran.M. (2008). Impact of widowhood on Religiosity and death anxiety among senior citizens. *Journal of the Indian Academmy of Applied Psychology*.vol.34,No.1,175-180.
- Gorsuch, R.L., (1988). Psychology of religion. *Annual Review of Psychology* 39, pp. 201–221.
- Gorsuch, R. L., (1988). Psychology of religion. *Annual Review of Psychology* 39, pp. 201–221.
- Kahoe, R.D. and Meadow, M.J., (1981). A developmental perspective on religious orientation dimensions. *Journal of Religion and Health* 20, pp. 8–17.
- Kawano.S. (2011). A sociocultural anlysis of death anxiety among older Japanese citizens. *Omega*.vol.62,No.4,369-386.
- Kelly, M. N.&Corriveau, D. (1995). The Corriveau-Kelly scale. *Journal of Death and Dying*.31:No.4:311-315.
- Kyriaki Mystakidou M.D, .Barry Rosenfeld, Efi Parpa B.A, Emmanuela. K, Eleni-Tsilika B., Antonis Galanos B. and Lambros Vlahos M.D(2005).esire for death near the end of life: the role of depression, anxiety and pain. *General Hospital psychiatry*. 27(4), 258-262.
- Lang, J. (1996). *Even Angels Ask: A Journey to Islam in America*. Pp. 230. Beltsville, MD: Amana.

- Maltby, J. and Day, L. (2000). Depressive symptoms and religious orientation: examination the relationship between religiosity and depression within the context of other correlates of depression. *Personality and individual differences*. 28, 383-393.
- Marce, F and Paul. J. H. (2003). Religion, Death Attitudes, and Belief in Afterlife in the Elderly: Untangling the Relationships. *Journal of Religion and Health*, Vol. 42, 67-76.
- Mills. C. W. (1956). *The power elite*, Oxford University Press. New York (1956).
- Nelson, L. D. (1980). Religiosity and death anxiety. A multi-dimensional analysis. *Review of religious research*. 2, 21-48.
- Palosuo, H. (2000). Health-related lifestyles and alienation in Moscow and Helsinki. *Social Science & Medicine*. 51; 9, 1325-1341.
- Saggino, r. &Kline, P. (1996). Item factor analysis of the Italian version of the Death Anxiety scal. *Journal of clinical psychology*. 52; 329-333.
- Templer, D. I. (1970). The construction and validation of a Death Anxiety scale. *Journal of General psychology*. 82; 165-177.
- Thorson. J. A. (2000). Perspectives on spiritual well-being and aging. Charles c. Thomas, sprig field. Il.
- Thorson. J. A. and Powell, F.C. (2000). Death anxiety in younger and older adults. In a. tamer, editor, *death attitudes and the older adults, theories, concepts and applications*, burner- routeledge, Philadelphia, 123-136.
- Treadway, K. M. (1996). Religion and optimism: models of the relationship. *The Student Journal of Psychology*.

## Table of Contents

- **Comparing Situational and Dispositional Empathy, Considering The Role of Gender.....1**  
Hashem Sadeghiye  
Naser Aghababaei  
Javad Hatami, PhD  
Anahita Khorami Bonaraki
- **Investigating relationship between communication skills and conflict resolution styles of managers with employee empowerment.....17**  
Azin Taghipour  
Reyhane Dejban  
Zahra Khadem Dezfuli  
Abdulzahra Naami, PhD
- **Perceived organizational injustice and destructive behaviors: Referent cognitions approach.....44**  
Mohsen Golparvar, PhD  
Mehrangizeh Karami  
Zahra Javadian
- **The Effect of Stress on Accuracy and Speed of Judgment.....68**  
Parvaneh Farhad Beigi  
Fateme Bagherian, PhD  
Anahita Khorami Banaraki
- **Study the relationship of Big five factors and Cell-phone Over-use in students.....79**  
Parisa yaseminejad  
Mohsen Golmohammadian
- **Predicting attitude towards rumor through the personality characteristics, positive–negative affect & psychological health.....106**  
Mojgan sepahmansour, PhD  
Ali delavar, PhD  
Majeed saffarinia, PhD
- **Effectiveness Training program based on Social Skills on the Rate of Reduction Victim Behaviors of Primary boys School Students in Isfahan City.....123**  
Mansore Moghtadaei  
Shole Amiri, PhD  
Hossein Molavi, PhD  
Nasim Esteki Azad
- **Relation between religious orientation with anxiety about death, and alienation in aged peoples (seniors) in Tehran.....140**  
Mahnaz Ali Akbari Dehkordi, PhD  
Mohammad Oraki, PhD  
Ziba Barghi Irani